

تظاهرات گسترده ضد جنگ در خارج از کشور

این اقدامات در ادامه حرکتها و تظاهراتی صورت می پذیرد که به دعوت فدائیان خلق و توده-ایها در بسیاری از کشورهای جهان انجام یافت. در زیر به ذکر چند نمونه در آمریکای پرازم

سافرانسیسکو

روز شنبه ۲۸ اردیبهشت، تظاهراتی علیه جنگ ایران و عراق باحضور فعال هوادار، ان سازمان و حزب در شمال کالیفرنیا و همچنین برخی از هموطنان صلحدوست و نیز نمایندگان از نیروهای ترقیخواه

بقیه در صفحه ۲

بدنیال تشدید جنگ ویرانگرانه رژیم های خمینی و صدام و بمباران وحشیانه شهرهای دو کشور، موج اعتراض بین المللی علیه این اعمال ضد انسانی، بار دیگر بسیاری از کشورهای جهان را فرا گرفت. فدائیان خلق و توده ای ها در خارج از کشور، رامپمایی ها و گردم آبی های وسیعی علیه جنگ افروزان حاکم بر دو کشور براه انداختند. طیف گسترده ای از نمایندگان نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان در این اعتراضات شرکت نموده، خواهان پایان دادن به جنگ و برقراری صلح گردیدند.

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دو شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۶۴ برابر ۱۰ ژوئن ۱۹۸۵
بیام ۴۰ ریسال سال دوم شماره ۶۰

این ویرانه ها، حاصل جنگی است که خمینی می خواهد



این تصویری از تهران امروز است، ویرانه، بلاکشیده و خمینی کزیده. این تصویری از دیگر شهرهای میهن است، از باختران تا تبریز، از اصفهان تا اهواز خانه های مردم را بر سرشان ویرانه می کنند، کودک و پیر و جوان را قتل عام می کنند و در همه جا مرگ و نابودی می پراکنند. تهران ۸ میلیونی هر روزه پیش از فرا رسیدن شب سوت و کور می شود. میلیونها تن از مردم دسته دسته به صحرا و بیابان می زنند تا مگر از بمباران مداوم شبانه رهایی یابند و شهر مصیبت زده تاریک و خاموش می شود. آنها که یارای رفتن ندارند، کودکان خود را در آغوش می کشند و چشم به آسمان می دوزند که چه هنگام هواپیماهای بمب افکن فرا می رسند.

این تصویر تهران امروز، باختران، تبریز و بروجرد امروز است. جنگنده بمب افکن های رژیم سفاک عراق در آسمان بی حفاظ میهن ما می گردند و شهرها را یک به یک به آتش می کشند. هیچ هفته و روز و ساعتی نیست که هم میهنان رنج دیده ما قانع از اضطراب باشند.

خمینی سیاهکار که بر لب گور نشسته است، می خواهد همه مردم میهن ما را به کشتن بدهد. در بازتاب تمایلات بیمارگونه او بود که رفسنجانی در دور پیشین جنگ شهرها، در استقبال از بمبارانها با شادمانی

اعلام کرد که "تهران یک قدری در متن جنگ آمد." اینک تهران در متن جنگ قرار دارد. سید خندان، مجیدیه، سیلان، چهارده متری لشکر، کارگر شمالی، گیشا، سعادت آباد، ورزشگاه آزادی، پارک ارم، نگارستان، عباس آباد، اندیشه و... یک به یک بمباران می شوند. در گیشا گروهی از کودکان در یک جشن تولد در پی بمباران یکجا جزغاله شدند، شعله های آتش از محله های تهران زبانه می کشد و مردم بی پناه و بی دفاع رها شده اند تا کشتار شوند.

اما تنها از خانه و کاشانه مردم نیست که آتش زبانه می کشد، آتش خشم مردم علیه رژیم جنگ افروز خمینی نیز شعله ورتر شده است. انزجار علیه جنگ و علیه رژیم، به رغم آماده باش کامل گزمنان، در همه جا ابراز می شود. مردمی که روزگاران سیاه شده است، در مبارزه متحد خویش، راه رهایی از جنگ، راه رهایی از حکومت پلید خمینی، راه صلح و سعادت را جستجو می کنند. بی گمان مبارزه مردم متحد پیروز خواهد شد.

از کسری بودجه

چه کسانی بهره می برند؟

بودجه نویسی و برنامه ریزی اقتصادی، در رژیم "ولایت فقیه" در نظر اول به رمالی و اختراگری شباهت دارد. در تنظیم بودجه به چیزی که توجه نمیشود، ارقام و آمار واقعی است. به این خاطر هر ساله به مقيم بودجه نیاز پیدای می کنند. اگر "کارشناسان" در اطاق های سازمان برکثامه و بودجه می توانند با نیش قلم رقمها را ریز و درشت کرده و سرتو مخارج و مداخلی را بهم چفت نمایند، برای مجریان ادارات و ارگانهای دولتی این کار مقدور نیست. از اینرو در عمل دره عمیق میان هزینه ها و درآمدها خود را می نمایانند.

"اشکال اصلی بودجه، به خصوص بودجه سال ۶۴ متناسب نبودن درآمدها با هزینه های باشد... در اثر واقعی نبودن درآمدها، منتهی می شود به آوردن مقيم

بقیه در صفحه ۳

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۶

نمونه هایی از فعالیتهای تبلیغاتی فدائیان خلق در استانهای تهران، آذربایجان و فارس

مصاحبه با رولف هاگل، دبیر اول حزب کمونیست کارگری سوئد

نیروهای راست، پایمال می شود، راه گسترش مبارزه را انتخاب کرده اند. اعتصاب دهها هزار تن از کارکنان این کشور در ماه مه اسامی یکی از نمودهای چشمگیر مقاومت مردم در برابر یورژوازی انحصاری و نیروهای راستگرای بود.

در سال جاری انتخابات پارلمانی در سوئد برگزار می شود و از هم اکنون مبارزات انتخاباتی آغاز شده است. رفیق هاگل در گفتگو با خبرنگار ما پیرامون جهت تحولات کنونی در سوئد به اظهار نظر پرداخته است. متن این گفتگورا در صفحه ۱۰ می خوانید.

در ادامه مصاحبه خبرنگاران اکثریت باچهره های برجسته جنبش کمونیستی و انقلابی جهان، این بار با رفیق رولف هاگل، دبیر اول حزب کمونیست کارگری سوئد، به گفتگو نشستیم.

در کشور سوئد، اینک مبارزه طبقاتی حادی در جریان است، نیروهای دست راستی می کوشند این کشور را دنباله رو سیاستهای امپریالیسم آمریکا سازند. در برابر این نیروها جریانات مترقی قرار دارند که خواهان حفظ و تحکیم سیاست بیطرفی و انجام تحولات مثبت اجتماعی هستند. مردم سوئد برای کسب حقوق خود که توسط

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

تظاهرات گسترده ضد جنگ در خارج از کشور

و سازمانهای همبستگی با جنبشهای رهایی بخش در آمریکای مرکزی، برای برگزاری تظاهرات علیه جنگ خانمانسوز ایران و عراق تشکیل شد. این تظاهرات روز دوشنبه ۲۰ ماه مه با طنین شعارهای ضد جنگ برگزار گردید. (شرکت کنندگان خمینی، صدام و امپریالیسم آمریکا را شدیداً محکوم نمودند) در پایان تظاهرات، ناریو واسکوئز، عضو هیئت مرکزی شورای صلح آمریکا و شورای وکلای آمریکای یک سخنرانی، خطاب به تظاهرکنندگان گفت: "طیف وسیع نیروهای شرکت کننده در این تظاهرات بخوبی نشان میدهد که مسئله پایان جنگ و خواست برقراری صلح تا چه حد به مسئله مهم خلقهای خاورمیانه بدل شده است."

بخشی از قطعنامه تظاهرات، بر قطع فوری بمباران شهرها و مناطق مسکونی و برقراری آتش، پس و شروع مذاکرات برای حل اختلافات بین دو کشور و ... پایان دادن به جنگ جنایتکارانه علیه مردم کردستان مرد و کشور، تاکید می کند.

هوستون

روز دهم آوریل، از جانب کمیته برای صلح و قطع جنگ ایران و عراق، تظاهراتی در هوستون تگزاس بر پا گردید. تظاهرکنندگان با داشتن پلاکاردهای "جنگ را قطع کنید مردم صلح می خواهند"، "بمباران مناطق مسکونی را قطع کنید"، "زندانیان سیاسی ایران آزاد باید کردند"، شعارهایی علیه جنگ افروزان دادند.

خبر این تظاهرات در چند روزنامه محلی منتشر شد و یک کانال تلویزیونی نیز عصر همان روز به پخش فیلم این مراسم مبادرت ورزید.

۷- انجمن دانشجویان کرد در آمریکا و کانادا
۸- هواداران جبهه ملی مقاومت لبنان در آمریکا
۹- شورای صلح - شمال کالیفرنیا
۱۰- حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا - کالیفرنیا
رفیق آنجلا دیویس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و نایب رئیس اتحادیه ملی علیه ستم نژادی و سیاسی نیز از جمله شخصیتهایی بود که از این تظاهرات پشتیبانی به عمل آورده بود.

سیاتل

بنا به دعوت هواداران حزب و سازمان آل کمیته همبستگی با مردم ایران، روز شنبه ۱۸ مه تظاهراتی در شهر سیاتل ایالت واشنگتن صورت پذیرفت. گروهها و سازمانهای شرکت کننده در این اقدام ضد جنگ و افشاگرانه عبارت بودند: سازمان دانشجویان عرب، سازمان دفاع از حقوق بشر در فلسطین، سازمان ائتلاف علیه نژاد پرستی، اتحادیه فیلیپین دمکراتیک، استادان و کارمندان (دانشگاه واشنگتن) مدافع حقوق بشر در آل سالوادور و آمریکای مرکزی و ... پس از پایان تظاهرات شرکت کنندگان گرد هم آمده و به سخنرانی نمایندگانی سازمانها و گروههای شرکت کننده و پیامهای همبستگی گوش دادند. قطعنامه تظاهرات که بعد از پیامها خوانده شد، لبریز از شور همبستگی و آرزوی صلح بود.

لس آنجلس

بدنبال دعوت فداییها و توده ایها در جنوب کالیفرنیا، ائتلاف بزرگی متشکل از سازمانهای انقلابی عراقی، کرد، فلسطینی، لبنانی، آمریکایی،

جهان در شهر سانفرانسیسکو برگزار گردید. تظاهرکنندگان با راهپیمایی در خیابانهای مرکزی شهر، حمل پلاکاردهای مختلف و بیان شعارهایی علیه جنگ و بر ضد رژیمهای ایران و عراق و با افشای تجاوزگریهای آمریکا، توجه بسیاری از مردم را به خود جلب نمودند. پخش اعلامیه ضد جنگ که توسط برگزار کنندگان منتشر شده بود و اعلامیه مشترک هواداران حزب و سازمان علیه جنگ، همبستگی مردم را برانگیخت.

در پایان از سوی تظاهرکنندگان، قطعنامه ای با خواستههای زیر قرائت گردید:

- ۱- قطع فوری بمباران شهرها و هدفهای غیر نظامی ایران و عراق
- ۲- آتش بس فوری و آغاز مذاکرات برای حل مسالمت آمیز اختلافات بین دو دولت
- ۳- بازگشت قوای دو کشور به مرزهای قبل از جنگ
- ۴- حفظ تمامیت ارضی دو کشور و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر
- ۵- خاتمه دادن به کشتار خلق کرد در ایران و عراق

اسامی تعدادی از هفده نیروی برگزار کننده در این تظاهرات و تظاهرات مشابه در دیگر نقاط ایالات متحده آمریکا به ترتیب زیر است:

- ۱- فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آمریکا
- ۲- سازمان هواداران حزب توده ایران در ایالات متحده آمریکا
- ۳- هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین
- ۴- هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- ۵- اتحاد دمکراتیک مردم عراق در آمریکا و کانادا
- ۶- کمیته همبستگی با مردم ایران

فدائیان خلق در جشنهای کارگران جهان به مناسبت اول ماه مه

ایتالیا

جشن روز کارگر در شهرهای مختلف ایتالیا برگزار گردید. از جمله در شهر بلونیا اول ماه مه از طرف سندیکاهای متحده کارگری ایتالیا جشن گرفته شد. شرکت کارگران و اهالی بلونیا در راهپیمایی چشم گیر بود.

فدائیان خلق و توده ایها در این شهر نیز با حمل پلاکاردهایی مبنی بر تبریک اول ماه مه، تحکیم صلح جهانی و پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق، حضور فعالی در جشن داشتند.

آمریکا

در ایالات متحده نیز، روز اول مه، در شهرهای مختلف آن جشن گرفته شد در شهر هوستون، روز جهانی کارگران، همچون بسیاری دیگر از شهرهای این کشور با حضور هواداران سازمان فدائیان خلق و جمعی دیگر از ایرانیان برگزار شد. برگزاری جشن را کمیته ای مرکب از حزب کمونیست آمریکا، شورای صلح بقیه در صفحه ۹

دهمیداً و "زندانیان سیاسی ایران آزاد باید کردند" در طول تظاهرات به چشم می خورد.

پس از تظاهرات، برنامه جشن با ایراد سخنرانی هایی در یک سالن ادامه یافت. پیام مشترک فدائیان خلق ایران - سوئد و سازمان حزب توده ایران - سوئد، خطاب به کارگران سوئد خوانده شد.

کانادا

مراسم راهپیمایی جشن روز اول ماه مه در تورنتو کانادا، از طرف "کمیته برگزاری جشن اول ماه مه" برگزار گردید. شرکت کنندگان در جشن پس از راهپیمایی در سالن گرد آمده و به سخنان ویلیام کاشتن دبیر کل حزب کمونیست کانادا، یکی از نمایندگان معدنچیان انگلیس و یکی از اعضای حزب نو دمکرات کانادا گوش فرادادند.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کانادا که عضو کمیته برگزار کننده مراسم نیز بودند در تظاهرات مزبور فعالانه شرکت داشتند.

فدائیان خلق در خارج از کشور شرکت در مبارزات کارگران کشور میزبان خویش را جزو وظایف انقلابی خویش می دانند. آنان وظایف انترناسیونالیستی را با وظایف ملی خویش در مطرح ساختن خواستها و مسائل مردم ایران پیوند می زنند. آنها در مراسم اول ماه مه در کشورهای مختلف جهان، فعالانه شرکت داشته و ضمن گرامیداشت این روز فرخنده، خواستهای کارگران و همه مردم ایران را بازتاب دادند. در زیر گزارشی در این زمینه را از چند کشور درج می کنیم.

سوئد

به مناسبت روز همبستگی جهانی کارگران، در شهرهای مختلف سوئد مراسمی برپا گردید. در شهر امئو سوئد نیز تظاهرات با شکوهی از طرف "حزب کمونیست چپ سوئد و سازمان جوانان این حزب" برگزار گردید.

فدائیان خلق در سوئد نیز در این جشن شرکت داشتند. شعارهای "به جنگ ایران و عراق خاتمه

بقیه از صفحه اول

و برکسری بودجه افزودن. اینکه تاکنون سالی بدون متمم نبوده بدین جهت است که ارقامی که گذاشته میشود، واقعی نبوده. بعنوان مثال... در ارتباط با مصوبه سال ۶۲، آنچه که حاصل نشده

از کسری بودجه، چه کسانی بهره می برند؟

۷۰۰ میلیارد ریال می باشد. که یک پنجم مصوب کاذب بوده" (جمهوری اسلامی - ۱۲/۶۲)
جالب است اگر بدانیم که کسری هنگفت فوق علاوه بر مبلغ کسری بودجه پیش بینی شده در بودجه همان سال است، هرگاه این دورقم را یک جا محاسبه کنیم. رقم واقعی کسری بودجه سال ۶۲ به ۱۰۰۰ میلیارد ریال می رسد.

برنامه ریزان "ولایت فقیه" که برای تنظیم بودجه جاری پایه را روی شانس واقبال و ستاره شناسی قرار داده اند، برای تنظیم برنامه پنج ساله، دیگر هیچ مشکلی ندارند. آنها برنامه شسته و رفته ای را ردیف کرده و ارائه دادند که طی آن در عرض پنج سال بکلی کسری بودجه از میان برداشته می شود. اکنون دو سال از ارائه این برنامه سپری شده است و طی آن دقت ارقام پیش بینی شده با محک واقعیت سنجیده شده است و معلوم گردید که برای منجمین سازمان برنامه و بودجه گردش ستارگان، نحوست ببار آورده است. جدول زیر گویاست:

سال	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶
پیش بینی برنامه پنج ساله اول	۳۵۰	۲۴۴	۱۶۲	۸۱	۰
کسری بودجه واقعی	۷۳۵/۵	۱۰۰۰			

جدول نشان میدهد که کسری بودجه واقعی برخلاف پیش بینی برنامه پنج ساله با سرعتی شگرف به سمت ارقام نجومی میل می کند. ولی همین جدول البته نشان نمیدهد که مبلغ کسری بودجه از کجا تامین می شود و یا در تحلیل نهایی به کدام جیب و حساب واریز می گردد.

با بررسی دقیق منابع تامین کسری بودجه و دریافت کنندگان نهایی آن، معلوم می شود که کار تنظیم بودجه در رژیم "ولایت فقیه" تنها در نظر اول به رمالی مانده است و بی حساب و کتاب بخاطر می آید. رژیم ولایت فقیه هم برای خود حساب و کتابهایی دارد که آن هم جز خدمت خالصانه به تجار بزرگ و کلان سرمایه داران چیزی دیگری نیست.

رژیم خمینی برای غلبه بر کسری بودجه تا هرچائی و بهر قیمتی که بتواند نفت می فروشد. این سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی است که تاکنون بکرات از سوی سرمداران این رژیم اعلام شده است. این سیاست در چند سال اخیر اجرا شده است ولی نتیجه همان است که در جدول دیده میشود. تاراج منابع نفتی کشور نتوانسته است جلوی سیر صعودی کسری بودجه را بگیرد.

راه دیگری که برای افزودن بر درآمدها و کاستن از کسری بودجه در پیش گرفته اند فروش اموال و املاک دولتی است. به جرات می توان گفت که هیچ چیز قابل فروشی را در تملک دولت نمی توان یافت که در تلاش برای فروش آن نباشند. کار تاجائی بالا میگیرد که موسوی نخست وزیر در کمال

بی پروائی چوب حراج بر دارائی های "دفتر تبصره ۸۲" می زند:

"مقداری از اموال، کارخانه ها، دارائی ها و باغها و نظایر آن که از افراد طاغوتیها و وابسته به رژیم سابق مصادره شده و مصادره می شود در اختیار

دولت قرار می گیرد. این اموال غیر از اموالی است که در اختیار بنیاد مستضعفان قرار می گیرد. تمام این دارائی ها در دفتری باسم دفتر تبصره ۸۲ متمرکز می شود. این دفتر یک ستادی در نخست وزیری است و ربطی به سایر وزارتخانه ها ندارد... من در اینجا به نفع این دفتر استفاده تبلیغاتی می کنم و همه کسانی را که مایل به خرید این اموال می باشند، دعوت میکنم، زیرا پولهایی که از این راه بدست می آید صرف... بودجه عمومی کشور و مستضعفان و محرومان جامعه می شود." (چهارشنبه ۸ اسفند - کیهان هوایی)

البته باید خاطر نشان کرد که "مقداری از اموال" دفتر تبصره ۸۲ جدا از صدها دستگاه خانه و ویلا و صدها واحد تجاری و مغازه، شامل ۱۵۰ کارخانه و شرکت تولیدی در زمینه صنایع و معادن، ریسندگی و بافندگی، شیمیائی و داروئی و کشت و صنعت می شود. روشن است که خریداران این "مقداری از اموال" دولتی چه کسانی هستند. اینک چند سال است که از جمله به بهانه تامین مبلغ کسری بودجه اموال و املاک دولتی مصادره شده را به شن بخش تحویل کلان سرمایه داران می دهند، با وجود این کسری بودجه افزایش یافته است.

افزایش مالیاتها کار دیگری است که رژیم خمینی برای تامین مخارج هنگفت جنگ و دیگر مخارج دولتی انجام می دهد که در شماره های پیشین جوانبی از آن را تشریح کردیم. طبعاً در این زمینه کلان سرمایه داران چندان چیزی نمی پردازند. بدهی مالیاتی آنها در سالهای ۵۸ تا ۶۲ تا ۱۶۵ میلیارد ریال برآورد شده است.

در چنین اوضاع و احوالی تنها راهی که برای تامین مخارج دولت باقی می ماند، استقرار از سیستم بانکی کشور است. استقرار از سیستم بانکی یعنی افزودن بر بدهی های دولت، چاپ بی رویه اسکناس و افزایش سرسام آور حجم پول در گردش و... افزایش لجام گسیخته تورم.

اسکناس و مسکوک منتشره و حجم پول کشور (واحد: میلیارد ریال)

همانگونه که از جدول زیر صفحه برمی آید دولت ورشکسته جمهوری اسلامی برای تامین کسری بودجه به استقرار از بانک مرکزی می پردازد. چاپ بی رویه اسکناس هم اینک باعث افزایش شدت تورم در کشور شده است. امروزه، میزان اسکناس موجود کشور به رقم نجومی ۱/۹ تریلیون ریال بالغ می شود که حدود نصف آن توسط رژیم جمهوری اسلامی انتشار یافته است و بفا به اعتراف محسن نوربخش، رئیس بانک مرکزی، حداقل ۴۰۰ میلیارد ریال آن اضافی و در نتیجه تورم و است (میدل ایست اکونومیکال دایجست - نوامبر ۱۹۸۴) هرگاه به جدول مربوط به کسری بودجه و حجم پول در گردش، جدول مربوط به نقدینگی بخش خصوصی را هم اضافه کنیم، مطلب بسی گویاتر می شود.

(واحد: میلیارد ریال)

سال	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲
نقدینگی بخش خصوصی	۲۰۷۸/۶	۳۵۰۰	۴۲۲۷/۸	۵۱۱۱/۷	۱۴۵۰/۷	۷۱۵۰

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اکنون به آسانی می توان دریافت که کار بودجه نویسی جمهوری اسلامی چندان هم بی حساب و کتاب نیست. برای تامین کسری بودجه کرور کرور اسکناس چاپ می کنند، ارزش ریال را پائین می آورند. قیمت ها بالا رفته و به ازای آن کرور کرور بر نقدینگی بخش خصوصی افزوده می شود.

مصطفی تبریزی، نماینده سابق مجلس درباره ارتباط مستقیم بین کسری بودجه و رشد نقدینگی بخش خصوصی اظهار داشته بود:

"حجم اسکناس زیاد شده. پس از یک سری فعل و انفعالات اقتصادی از دست دولت خارج شده و به جیب بخش خصوصی می ریزد... در لایحه سال ۶۲، با توجه به تبصره ها و تعهدات، حدود یک هزار میلیارد ریال کسری بودجه وجود دارد. با کسری بودجه در واقع بدهی دولت سال به سال زیادتر میشود و تقریباً به همان میزان به نقدینگی بخش خصوصی افزوده میشود." (کیهان ۲۰ بهمن ۶۲)

بنا به اظهارات یکی دیگر از نمایندگان، این رقم نجومی نقدینگی بخش خصوصی، تنها به سه درصد از مردم تعلق دارد؛ و چنین است که تجار و کلان سرمایه داران، تحت عنايات و توجهات حکام جمهوری اسلامی و بایر بهره مند شدن از مزایای "عدالت اسلامی"، به موازات و خامت اوضاع اقتصادی کشور و به موازات افزایش کسری بودجه دولت، بر دارائی های خود بیکران می افزایند.

سال	اسکناس و مسکوک منتشره		حجم پول		جمع
	جمع	اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	سپرده های دیداری بخش خصوصی		
۱۳۵۷	۹۱۹/۲	۸۰۲/۷	۴۳۳/۸		۱۲۳۶/۵
۱۳۵۸	۱۰۳۲/۹	۹۲۷/۹	۷۳۷/۹		۱۶۶۵/۸
۱۳۵۹	۱۳۶۸/۱	۱۳۶۸/۱	۹۷۲/۱		۲۲۰۳/۳
۱۳۶۰	۱۵۰۳/۱	۱۴۰۷/۲	۱۳۰۰/۳		۲۷۰۷/۵
۱۳۶۱	۱۸۱۷/۷	۱۶۴۲/۶	۱۸۴۱/۳		۳۴۸۳/۹

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران گزارش اقتصادی و تراز نامه سالهای (۶۱ - ۵۷)

از رویدادهای ایران

دور جدید جنگ شهرها
و اردو زمین هفته خود شد

جنگ شهرها روز بروز شدت و حدت بیشتری می یابد. تنها در چهار روز آخر هفته گذشته تهران شاهد ۲۲ حمله هوایی بود. بر اثر حملات متقابل دو رژیم جنایتکار حاکم بر ایران و عراق به مناطق مسکونی، در عرض دو هفته گذشته نیز جمعی کثیری از مردم بلا دیده و کشور در خون غلتیده و خسارات بی شماری به بار آمده است.

در هفته گذشته اهالی پایتختهای دو کشور همچنان در وحشت و اضطراب به سر می بردند. تهران دم به ساعت در انتظار حمله هوایی بود. همچنان که در شماره قبلی نشریه ذکر شده بود در روز شنبه ۱۱ خرداد به دنبال یازدهمین حمله موشکی به بغداد، بلافاصله تهران بی دفاع بمباران شد. روز بعد نیز حمله تکرار گردید. حمله روز دوشنبه ۱۲ خرداد به تهران که در ساعت ۲۰ و ۴۸ دقیقه صورت گرفت به گفته مقامات رژیم ۶ کشته به جا گذاشت. در این روز بنا بر اطلاعاتی فرماندهی ارتش عراق ۱۷ شهر و شهرک و ۴ پادگان نظامی و نیز جزیره نفتی خارک مورد ۶۱ حمله هوایی قرار گرفتند. در روز سه شنبه ۱۴ خرداد مرکز بغداد به موشک بسته شد. جمهوری اسلامی با شادمانی و جبار و جنجال اعلام کرد که بر اثر این حمله موشکی ۸۶ نفر کشته و ۱۲۲ نفر زخمی شده اند. در شب به شنبه تبریز مورد حمله هوایی عراق قرار گرفت و به دنبال آن شهرهای همدان و اصفهان شاهد حمله هوایی بودند. در حمله به تبریز، اعلام شد که ۱۲ نفر کشته شده اند.

در روزهای چهارشنبه و ۵ شنبه، ۱۵ و ۱۶ خرداد، تهران، مجتمع پتروشیمی بندر خمینی و

پایانه نفتی خارک مورد حملات هوایی و شهرهای ایلام، باختران، اهواز و آبادان هدف حملات موشکی مکرر قرار گرفتند. در حمله موشکی به باختران ۲۲ نفر کشته و جمعی کثیری مجروح شدند.

در روز ۵ شنبه جمهوری اسلامی خبر از عملیات زمینی جدیدی با عنوان ظفر یک داد. جمهوری اسلامی مدعی شد ۱۴ کیلومتر در خاک عراق پیش روی شده است. در اطلاعاتی های ارتش و سپاه، منطقه این عملیات ادعایی ذکر نشد.

در این روز حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی برای نشان دادن حد اشتباهی خمینی به خون و کشتار گفت رژیم جمهوری اسلامی آمادگی دارد در سوم جمعیت عراق را زیر حملات موشکی قرار دهد.

در سرگاه روز جمعه ۱۷ خرداد تهران سه بار هدف حملات هوایی قرار گرفت. خامنه ای، در نماز جمعه تهران تهدید کرد که جمهوری اسلامی، به خاک سپاه خواهد نشاند. وی گفت جمهوری اسلامی به کمتر از نابودی صدام اکتفا نمی کند. در این روز علاوه بر تهران، شهرهای اهواز، آبادان، ایلام، سردشت، باختران، سرپل ذهاب و کیلان نیز مورد حملات هوایی و موشکی عراق قرار گرفتند. این حملات کشته ها و ویرانی های بسیاری به جا گذاشته است. رژیم رقم تلفات را اعلام نکرد. تنها گفته شد که در ایلام ۱۰ منزل و در باختران ۱۲ منزل ویران شده است.

در عصر روز جمعه جمهوری اسلامی دوباره به شهر راحیه عراق حمله هوایی کرد. علاوه بر این، جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۱۵ شهر عراق از جمله مندلی، زرباطیه و بصره را به شدت زیر آتش توپخانه قرار داده است.

شب شنبه تهران در وحشت عظیمی به سر می برد. به فاصله نیم ساعت دو بار تهران مورد حمله هوایی قرار گرفت. جمهوری اسلامی در بامداد روز شنبه اولین حمله هوایی خود را علیه بغداد در دور جدید جنگ شهرها صورت داد. عراق این حمله را منکر شد و

اعلام کرد که در ۵۰ کیلومتری بغداد یکی از دو هواپیمای مهاجم را سرنگون ساخته است. نیروی هوایی رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرد که سقوط هواپیمای ایرانی بر اثر نقص فنی بوده است. در شب شنبه علاوه بر تهران، شهرهای اصفهان و کاشان نیز مورد حمله هوایی و ایلام مورد حمله موشکی قرار گرفت. در این شب، جمهوری اسلامی خبر از عملیاتی به نام ظفر ۲ داد و ادعا کرد در این عملیات که ۲ ساعت و ۴۵ دقیقه طول کشیده است، ۵۰۰ سرباز عراقی کشته شده اند. بر روی این عملیات که به مثابه تلاشی مدبوحانه قلنداد می شود، تبلیغات وسیعی صورت گرفت.

در روز شنبه ۱۸ خرداد نیز موج کشتار پیش می تاخت. در این روز جمعا ۱۴ شهر و شهرک ایران از جمله همدان، خرم آباد، بروجرد، الیکودرز، سردشت، قم، اصفهان و کاشان هدف حملات موشکی عراق بودند. روز یکشنبه ۱۹ خرداد با مصیبت برای مردم ایلام آغاز شد. در ساعت ۸/۵۵ دقیقه صبح یکشنبه هواپیماهای عراقی به ایلام و یکی از روستاهای اطراف آن حمله کرده و خسارات فراوانی به بار آوردند.

بعد از ظهر یکشنبه، تهران هدف حمله بود. همزمان با حمله هواپیماهای عراقی صدای انفجار شدید به گوش رسید.

تصویب لایحه انتخابات رئیس جمهوری

لایحه انتخابات رئیس جمهوری به تصویب مجلس رسید. بر اساس فصل اول این لایحه، شورای نگهبان بر انتخابات رئیس جمهوری نظارت تام دارد و می تواند انتخابات را در سراسر کشور متوقف و یا باطل اعلام نماید. اعتبار نامه رئیس جمهور نیز توسط شورای نگهبان تهیه شده و در اختیار ولی فقیه قرار می گیرد تا آنرا "تفقیه" کند.

در رابطه با کیفیت انتخابات در فصل دوم این لایحه گفته می شود: "انتخاب رئیس جمهور با کسب اکثریت مطلق آرا می باشد. چنانچه در مرحله اول برای هیچ یک از داوطلبان اکثریت مطلق حاصل نگردد، انتخابات دو مرحله ای خواهد شد. بدین معنی که دو شامزدی که بیشترین آرا را در مرحله اول داشته اند در انتخابات مرحله دوم شرکت می کنند."

همه ارگان های مسلح در کمین
"بی حجابان و بد حجابان"

دادستان عمومی تهران با صدور بخشنامه ای دستگیری "بی حجابان و بد حجابان" را وظیفه همه نیروهای انتظامی اعلام کرد. قبلا این وظیفه مشخصا بر عهده گشت مبارزه با منکرات بود، اما اکنون علاوه بر این گشت و نیز گشتهای کمبته و سپاه، شهربانی، پلیس راهنمایی، پلیس قضایی و ژاندارمری نیز موظفند "بی حجابان و بد حجابان" را دستگیر کنند. از میان نیروهای مسلح، فعلا فقط نفرات ارتش از انجام این وظیفه مستثنی شناخته شده اند.

تکمیل مجتمع پتروشیمی
به بعد از جنگ موکول شد

تهران، آنگونه که خمینی خواسته است

هراس رژیم از آغاز دوباره مسابقات فوتبال

تحریک عده‌ای "فرصت طلب" صورت گرفته معرفی کنند.

اما تکرار تظاهرات ۱۷ مهر در برخی شهرستانها و از جمله در جریان مسابقه تیم ملی فوتبال ایران با یکی از تیم های بلغارستان در روز جمعه دوم آذرماه، پاسخ دندان شکنی از طرف مردم به این عوامفریبی هابود.

به دنبال تکرار تظاهرات ۱۷ مهر به دستور مقامات امنیتی رژیم، مسابقات فوتبال در محاق تعطیل افتاد. این وضعیت هنوز ادامه دارد ولی تداوم آن مشکلات دیگری برای رژیم می آفریند. تا کی می توان از برگزاری مسابقات جلوگیری کرد؟ آیا می شود اینسان ترس خود را از اجتماع مردم به نمایش گذاشت؟ این سئوالات در چند ماهه اخیر ذهن مقامات رژیم را مشغول کرده بود. تا مدت ها گرایش عده آن بود که همچنان فوتبال تعطیل بماند. به عنوان نمونه در برنامه سالانه فدراسیون فوتبال که در اواخر فروردین ماه انتشار یافت، هیچ اشاره ای به برگزاری مسابقات باشگاهی تهران نشد. اما بالاخره مقامات امنیتی و ورزشی فرمول تازه ای دست یافتند: مسابقات کنترل شده! مسابقه با حداقل تماشاچی! در برنامه تنظیم شده، مسابقات به گونه ای سازمان داده شده که تیم های سرشناس در محتملترین حالت دو بار بیشتر در برابر هم قرار نگیرند. این برنامه به دستور مقامات امنیتی می بایست در مدتی کمتر از دو ماه اجرا شود.

مقامات امنیتی هنوز همین برنامه کنترل شده را کاملاً تأیید نکرده اند. هنوز هم نمی توان مطمئن بود که مسابقات فوتبال برگزار شود. مقامات امنیتی نگران آنند که این بار نیز خشم و نفرت مردم از رژیم عرصه ای برای تجلی بیاید. نگرانی آنها کاملاً بجاست.

مقامات "ذیصلاح" رژیم ولایت فقیه پس از ۸ ماه مانعت از برگزاری مسابقات قهرمانی دسته اول باشگاههای تهران دربی اعتراضات و مخالفت مردم بناچار با تمهیداتی به شروع مجدد بازیها تن دادند. هیئت فوتبال تهران در اواخر اردیبهشت ماه بدنبال جلسه ای که با نمایندگان ۲۰ تیم دسته اول باشگاهها داشت، بدون آنکه آیین نامه اجرایی بازیها تدوین و مورد توافق تیم های شرکت کننده قرار گیرد، طی اطلاعیه ای از تیم ها خواست که اعضای خود را برای شرکت در بازیها که بصورت دو گروه ۱۰ تیمی انجام خواهد شد، معرفی کنند.

مسابقات فوتبال باشگاههای دسته اول تهران ۸ ماه پیش بدنبال تظاهرات گسترده مردم در استادیوم امجدیه و خیابانهای اطراف آن بدستور مقامات متوقف شد.

در تاریخ ۲۲ مهر ماه نشریه اکثریت ضمن گزارش مفصل جریانات روز سه شنبه ۱۷ مهر ورزشگاه امجدیه در مورد علل و انگیزه اعتراضات مردم که علیه "داوودی" معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان ورزش و سرمداران رژیم شاعری دادند نوشت:

"حرکت اعتراضی ورزشگاه امجدیه یکی دیگر از نشانه های نارضایتی عمیق مردم است. این حرکت مثل بسیاری از حرکات مشابه خود در ظاهر انگیزه بلاواسطه سیاسی ندارد ولی تجلی آن تنها بر یک بنیاد سیاسی است و خیلی سریع همچنان که مشاهده شد، ریشه های سیاسی خود را بروز می دهد. این تظاهرات بر زمینه سیاست های ارتجاعی تنگ نظرانه و مترب رژیم در عرصه ورزش و به دنبال یک دهن کجی آشکار به مردم صورت گرفت." (اکثریت شماره ۲۸)

بدنبال تظاهرات ۱۷ مهر سرمداران رژیم تلاش کردند این وقایع را صرفاً یک اتفاق ورزشی که بر بستر "ضعف مدیریت" هیات فوتبال تهران و به

در مصاحبه با روزنامه اطلاعات ۸ خرداد اعلام کرد "قرار دادی که در مجلس به عنوان قرارداد تکمیلی مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن مطرح بود و مجلس آن را به اتفاق آراء رد کرد، قرارداد اصلی ایران و ژاپن بود."

وی در توضیح این موضوع گفت: "در حال حاضر حدود ۸۵ درصد کارهای ساختمانی این مجتمع توسط شرکتی به نام میتسوکی پایان یافته، ولی به لحاظ مسائل جنگ، صدماتی به این کارخانه وارد آمد. ژاپن با توجه به صدمات وارد شده، اعلام داشت که دیگر نمی خواهد بیشتر از این سرمایه گذاری نماید و خواستار کاهش سهام خود در این مجتمع شد. به این خاطر وزارت نفت و شرکت ملی نفت، قراردادی به نام قرارداد تکمیلی مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن را به مجلس آوردند."

وی افزود: "به این ترتیب همان قرارداد قبلی که در سال ۱۳۵۱ بسته شده (در این قرارداد سهم ژاپن ۵۰ درصد است) به قوت خود باقی خواهد ماند و زمانی که انشالله ما پیروز شویم و جنگ پایان پذیرد، تکمیل این پروژه به عهده ژاپن خواهد بود."

تعویض شناسنامه ها آغاز شد

از روز ۱۵ خرداد مرحله اول تعویض شناسنامه ها آغاز شد. ناطق نوری در مصاحبه ای اعلام داشت تعویض شناسنامه ها در سه مرحله انجام خواهد پذیرفت.

شناسنامه های جدید از شناسنامه های قدیمی صفحات بیشتری دارند. در این شناسنامه ها قید مذهب اجباری است و تاریخ تولد افراد بر مبنای سال قمری نیز قید می شود.

طرح تعویض شناسنامه ها در اواخر حکومت شاه معدوم آماده شده بود. به همین منظور اداره ای در جنب ساواک که مرکز آن نیز در جوار مرکز ساواک در سلطنت آباد تهران قرار داشت، ایجاد گردیده بود.

در حاشیه

همه فهمیده اند!

نماینده مجلس خمینی:

— "اما مساله به جایی رسیده است که همه فهمیده اند... کار به جایی رسیده است که پسر آقای امید نوری آن فراموشی خطرناک، آن سخنگوی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد به ایران آمده و می گوید باغها و اراضی ما را پس بدهید و الان مساله مطرح است.

— رئیس هتل قو مرکز فساد و فحشا، دارد اراضی اش را می گیرد.

— در اصفهان چند تا کارخانه چای آمده اند کارخانه هایشان را گرفته اند و کارگرهای محروم را بیرون کرده اند و کارخانه را می خواهند خراب کنند و زمین آنرا بجای اراضی مسکونی بفروشند.

— فردی که از ابتدای انقلاب فراری بوده و مفید به تمام معنی بوده است که اگر محاکمه می شد

نمی شود. کشتی کشتی آهن و کامیون و کامیون پارچه و هزار کوفت و زهرمار دیگر دست به دست می گردد و... (کیهان ۹ خرداد ماه)

نتیجه بیان آمار درست

"در سال ۶۲ زمانیکه آمار و ارقام مجتمع مس سرچشمه بی دربی از سوی معاون و مدیر عامل شرکت ملی صنایع مس در روزنامه کیهان چاپ و از صدا و

سیمای جمهوری اسلامی بخش می شد اینجانب کفیل فروش اداره مجتمع مس بودم. در آن موقع در برابر آمارهای اغراق آمیز مسئولان وقت اعتراض کردم. در جواب گفته شد که مطالب فوق را در روزنامه ها تکذیب کنم، از آنجا که در مقابل مردم و انقلاب خود را مسئول میدانستم تکذیب نامه ای را طی نامه ای در تاریخ ۲۶/۱۰/۶۲ به کیهان فرستادم اما در پی این مطلب و در فردای آن روز طی حکم شماره ۵۷۴۱ در اختیار کارگزینی قرار گرفته و در روز دوم بهمن ماه طی ابلاغ ۵۵۵۲ از اداره اخراج گردیدم. از آن تاریخ تاکنون به هر کجا و هر کس که مراجعه کردم نتیجه ای عاید نشد." (کیهان ۲۴ اردیبهشت)

بطور مسلم در حد اعدام بود، پس از مدتی برگشته و او را سر همان کارش گذاشته اند و از این جریان استفاده کرده و طلب خسارت نموده است و از او پذیرفته اند و حقوق معوقه اش را پرداخت کرده اند. (کیهان ۲۲ اردیبهشت)

شکوائیه

رئیس قسمت فروش قند و شکر تهران

"قرار است بنده را که رئیس قسمت فروش قند و شکر تهران بوده ام، با اتفاق ۱۴ نفر دیگر به اتهام اینکه جمعا حدود ۲ میلیون تومان یعنی بایک حساب سرانگشتی از قرار هر نفر ۲۰۰ هزار تومان سو استفاده کرده ایم ببرند زندان. در حالیکه بعضی ها به تنهایی ۲۰۰ میلیون، ۲۰۰ میلیون "سو استفاده" می کنند و کسی از کل نازکتر هم به آنها نمی گوید... آخر با ۲۰۰ هزار تومان که خیار چنبرم نمی دهند. این همه سیگار و بنستون و بهمن و آزادی بصورت آزاد می فروشند و ۲ میلیون میلیون جابجا می شود هیچکس کش هم نمی زند... این همه کالای اساسی و غیر اساسی از جان مرغ تا شیر آدمیزاد همینطور آزاد خرید و فروش می شود و استفاده اش را تبدیل به دلار آزاد می کنند و به ننگه دنیا می فرستند، هیچکس مثلاً خبردار هم

قابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در این کارخانه اعلامیه‌هایی با امضای کارگران پیشرو چیت‌سازی تهران (بافکار) پخش می‌شود. از جمله اعلامیه‌هایی که پخش شد و با استقبال زیادی مواجه گردید، اعلامیه‌ای بود در رابطه با تظاهرات اهالی ۱۲ آبان. مسئولان کارخانه به شدت هم‌جا را کنترل می‌کنند و جوپلیسی شدیدی را ایجاد کرده‌اند. این امر نتوانسته است در تبلیغات ما وقفه ایجاد کند.

* "در خیابان سپه تهران، نیش دبیرستان طالقانی، شعار زنده باد صلح و آزادی - مرگ بر جنگ و استبداد، به صورت درشتی نوشته شد."

* "شب دوشنبه ۶۴/۲/۹ در داخل کلاسها و محوطه مجتمع ادبیات و زبانهای خارجی شعارنویسی شد. صبح وقتی متوجه این شعارها شدند، در دانشکده را بسته و از ورود دانشجویان جلوگیری کردند. در دانشکده بعد از پاک کردن شعارها باز شد. همه دانشجویان متوجه قضیه شدند."

* "در کارخانه ایران‌یاسا به مناسبت اول ماه مه و انفجار دیک بخار این کارخانه که منجر به مرگ یک کارگر شد، اعلامیه پخش شد. مدیریت تا متوجه پخش اعلامیه شد کمیته را مطلع ساخت. پاسداران به کارخانه آمده و پس از مدتی تحقیق و ویرس‌وجو کارگری را به جرم این که اعلامیه را خوانده است دستگیر کردند. این اقدام همه کارگران را خشمگین ساخت."

چند روز قبل از این حادثه آخوندی به نام اصلانی به کارخانه آمده بود که در سفرانی خود به شدت علیه رفقای ما که مرتب در کارخانه اعلامیه پخش می‌کنند، فحاشی کرده بود. او کارگران را تهدید کرده بود که نباید به اعلامیه دست بزنند."

* "در روز ۶۴/۲/۱۷ در خیابان جمهوری اسلامی، پخش سریع صورت گرفت. با این که کمیته بلافاصله محل پخش را قرق کرد، اما مردم توانستند مقداری از اعلامیه‌ها را با خود ببرند."

* "در روز ۱۹ اردیبهشت در محله‌های فلاح و عباسی پخش علنی سریع صورت گرفت. یکی از اهالی محل که با خوشحالی یک اعلامیه را گرفت به رفقا گفت زود دور شوید، مواظب خودتان باشید."

* "در محلات کارگری تهران تراکت‌هایی به مناسبت اول ماه مه، از سوی همه واحدها در آستانه روز جهانی کارگر پخش گردید" (نمونه‌ای از این تراکت‌ها در شماره قبلی نشریه کلیشه شده است)

زنجان

* "در روزهای ۱۲ و ۱۴ اردیبهشت در زنجان با لونیهای حاوی اعلامیه‌های سازمان، به هوا فرستاده شد. پخش اعلامیه به این صورت تاثیر جالبی بخشید. در زنجان از طرف سپاه به کلیه مراکز بسیج

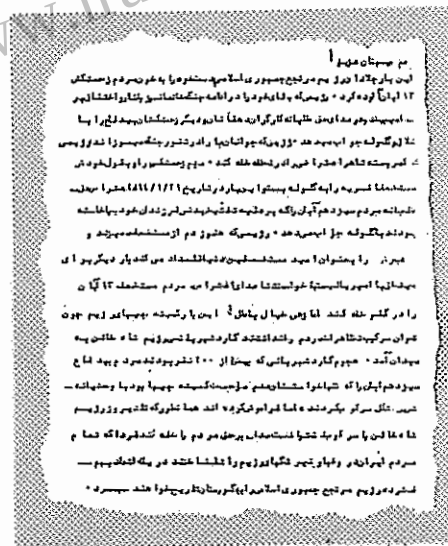
پیکار دلاورانه فدائیان خلق علیه حکومت خیانت و جنایت جمهوری اسلامی دم به دم تندی می‌گیرد. آنان خواسته‌ها و آمال انقلابی مردم را، در تمامی بهانه میهن بازتاب می‌دهند، مبارزه مردم را سازمان می‌دهند و در همه جا بذر آگاهی، شور و شوق پیکارجویی می‌پراکنند تا حکومت شکنج خیمینی بر انداخته شده و در میهن ما حکومتی ملی و دمکراتیک برپا شود. فدائیان خلق، فداکاریهای بی‌مانند را با خرد انقلابی و احساس مسئولیت عمیق نسبت به مصالح مردم در هم آمیخته‌اند. فعالین این گردان نیرومند جنبش خلق، همپای مبارزه استوار و اوج یابنده خویش، لحظه‌ای از تلاش در راه پیکارچه ساختن نیروی خلق و اتحاد نیروهای ملی و مردمی غفلت نمی‌کنند. با درک مبرمیت این امر است که آنان در همه اوراق تبلیغی و شعارهای خویش، بر ضرورت و عاجلیت امر تشکل و اتحاد تاکید می‌کنند.

ما تاکنون در صفحات این نشریه گوشه‌هایی از اقدامات تبلیغی گسترده فعالین فدائی را در شهرهای مختلف کشور بازتاب داده ایم. در این شماره نمونه‌های دیگری را از استانهای تهران، فارس و آذربایجان منعکس می‌کنیم.

تهران

ارتجاعی خود را مستقر کند. تنها راه پایان دادن به جنگ، اعتراض متحد و پیکارچه شما علیه جنگ و علیه ارتجاع حاکم است. متحد شوید و در راه برقراری صلح مبارزه کنید!

* به دنبال تظاهرات گسترده زحمتکشان جنوب شهر تهران در کوی ۱۲ آبان افشاکری در مورد سرکوب وحشیانه این تظاهرات از جمله محورها مهم تبلیغی در اواخر فروردین ماه بود. در این رابطه رفقای ما در مناطق مختلف تهران نیز اعلامیه‌هایی انتشار داده و در سطح وسیعی پخش کردند. ما تاکنون تعدادی از این اعلامیه‌ها را در نشریه منعکس کرده ایم. در زیر یک نمونه دیگر از این اعلامیه‌ها کلیشه شده است:



گزیده‌ای از گزارشهای تبلیغی یک واحد:
* "... در فروردین ماه در مجموع ۲۸۰۰ اعلامیه راجع به جنگ، تظاهرات مردم در کوی ۱۲ آبان و مشکلات اقتصادی پخش شد. همچنین ۴۰ کارت پستال ضد جنگ برای کارگران پست شد و ۲۰۰ پاکت حاوی اعلامیه ارسال گردید. بر روی کیوسک تلفن و در داخل ۱۲۰ اتوبوس شعار ضد جنگ نوشته شد. بر اساس محورهای تبلیغی نیز، تبلیغات شفاهی به صورت گسترده‌ای انجام می‌گیرد."

* در کارخانه چیت‌سازی تهران (بافکار) تبلیغات کتبی بطور مرتب و بی‌وقفه ادامه دارد.

واحدهای تشکلاتی و هسته‌های هوادار سازمان در تهران در هفته‌های گذشته، علاوه بر پخش گسترده بیانیه مشترک حزب و سازمان، نشریه کار، اعلامیه‌های اخیر کمیته مرکزی و... تعداد زیادی اعلامیه و تراکت پیرامون مسائل سیاسی و رویدادهای جاری کشور تهیه و پخش کرده‌اند. بخشی از آنها چنین است:

۴- تراکت در رابطه با تداوم جنگ و حمله به مناطق مسکونی
- تراکتی با عنوان "در مجلس نمایندگان تجار و سرمایه داران چه می‌گذرد؟" در این تراکت در مورد لایحه بودجه سال ۶۴ افشاکری شده است.
- اعلامیه‌ای در رابطه با افزایش حداقل دستمزدها
- اعلامیه‌ای با عنوان "لایحه قانون کار جدید هم ارتجاعی است."

در اعلامیه مربوط به قانون کار بعد از افشای مواد مختلفی از قانون جدید کار خطاب به کارگران و زحمتکشان، گفته شده است.

"رژیم باهای و هوی کرکننده می‌خواهد چنین وانمود کند که لایحه قانون کارش همان قانونی است که شما غالب آن بوده اید. اما می‌بینید که چگونه بدیهی‌ترین حقوق شما و در مرکز آن حق تشکل مستقل صنفی‌تان در این لایحه هم نادیده گرفته شده است. زیر بار این قانون ارتجاعی شروید! با ادامه و گسترش جنبش خود بخاطر حقوق مترقی کار در راه تدوین قانون کاری و اوضاع مترقی و مردمی که تنها می‌تواند با مشارکت فعالانه نمایندگان شما تهیه شود، مبارزه کنید!"

... رمز پیروزی شما تنها و تنها در همبستگی، اتحاد و تشکل شاست."
در یکی از تراکتهای ضد جنگ چنین می‌خوانیم:

"هم میهنان!
اعتراض علیه جنگ و مبارزه بخاطر استقرار صلح، وظیفه عاجل و مقدم هر ایرانی میهن پرست است."

متحد شوید! و به خاطر صلح، علیه ارتجاع حاکم پیکار کنید! "در یک تراکت دیگر، چنین آمده است:
"هم وطنان!

رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی می‌خواهد در سایه ادامه جنگ و بر روی پیکرهای آغشته بخون کودکان، زنان و سالخوردهگان شما، پایه‌های رژیم

گزارشی درباره جنگ اعلان نشده علیه مردم افغانستان

چه کسانی آتش جنگ را بر افروخته اند؟

در قندهار از نمایشگاهی با عنوان بالا دیدن کردم که به دنبال یک مورد از عملیات جنگی نیروی مردمی این شهر به فرماندهی سرهنگ حیدر عمری ترتیب داده شده بود. روز قبل از آن، واحدهای تحت سرپرستی وی به اتفاق پاسداران انقلاب یک باند بزرگ "مجاهدین" را شکست داده و چندین کامیون و مقداری سلاح به غنیمت گرفته بودند.

در حالیکه از کنار ردیف میزهای بلندی که روی آن خمپاره انداز، سلاح ضدتانک، مسلسل‌های سبک و سنگین، مین‌های ضدتانک و ضد نفر و توپ قرار داشت، رد می‌شدم، از حیدر عمری پرسیدم: "این‌ها ساخت کجاست؟" او پاسخ داد: "آمریکا، چین، آلمان غربی، بریتانیا، ایتالیا... نگاه کنید: مارک روی آنها حتی نشانی دقیق شرکت‌ها را دارد."

من نمایشگاههای مشابهی را در سایر نقاط افغانستان، از جمله در کابل، هرات، جلال‌آباد، مزارشرف، دره پنجشیر، در روستاهای کوچک کوهستانی و فرودگاه‌ها دیده‌ام. هفت سال است که محموله‌های بزرگی از این سلاح‌ها از طریق جاده‌های کوهستانی و راه‌های قدیمی قاچاق، به افغانستان می‌آوردند تا با آن مرک و ویرانی بیافرینند.

هزاران کودک، زن و سالخورده بیگناه، از جمله ۲۰۰ روحانی در جریان حملات ضدانقلاب کشته شده‌اند.

ضرر اقتصادی وارده به کشور را حدود ۲۵ میلیارد افغانی تخمین می‌زنند که سه چهارم کل سرمایه‌گذاریهای دولتی را در ظرف ۲۰ سال پیش از انقلاب شور، تشکیل می‌دهد.

کمک نظامی ای که آمریکا و برخی کشورهای دیگر به ضد انقلاب افغانستان می‌دهند دائماً روبه افزایش است.

در پاکستان، جایی که مهمترین انبارها و ستادهای باندهای ضدانقلابی افغانی قرار دارد، حدود ۱۰۰ انبار سلاح و مهمات ایجاد شده است. در پشاور و وزیرستان بزرگترین این انبارها قرار دارد. در بعضی از این انبارها، مستشاران پاکستانی، چینی و آمریکایی مسئولیت پخش سلاح‌های انبار شده میان اشرار را بر عهده دارند. مواردی نیز دیده شده است که اشرار اسلحه خود را از انبارهای ارتش پاکستان دریافت داشته‌اند.

در نزدیکی مرزهای پاکستان با افغانستان، شبکه کاملی از انبارهای کوچکتر وجود دارد که از آنجا سلاح‌ها مستقیماً به افغانستان حمل می‌شود. این اسلحه را برای بزرگترین و فعال‌ترین گروه‌های ضدانقلابی درگیر جنگ با دولت خلقی و دمکراتیک افغانستان، یعنی "حزب اسلامی افغانستان" به رهبری گلبدین حکمت‌یار، "جمعیت اسلامی افغانستان" به ریاست برهان الدین ربانی و "اتحاد اسلامی مجاهدین افغانی" به رهبری

رسول سیف در نظر گرفته شده است.

نقش سیا

بطوریکه "واشنگتن پست" اخیراً نوشت، کمک پنهانی آمریکا به ضدانقلابیون افغانی از هنگام جنگ ویتنام بی‌سابقه است. قرار است اسلح برای "عملیات افغانی" ۲۵۰ میلیون دلار در اختیار سیا گذاشته شود. این رقم برابر است با ۸۰ درصد مخارج سیا برای عملیات سری.

این مبالغ هنگفت صرف چه چیز می‌شود؟ یک نمونه آن از این قرار است: سال گذشته در پاکستان یک مرکز جدید سیا با نام ظاهراً بی‌آزار "دفتر ادیو" گشایش یافت. برای گشایش این دفتر، جیمز باکلی، که تا اندکی قبل مدیر عامل فرستنده‌های "آزادی" و "اروپای آزاد" بود و در دروغ بافتن و شایعه پراکندن هم‌تا ندارد، به اسلام‌آباد رفت "دفتر ادیوئی" نامبرده شعبه جدیدی از این مراکز مداخله جویی و تبلیغات است که وظیفه آن واژگونی جلوه دادن حقایق مربوط به افغانستان و روند انقلابی در این کشور و تحریک افکار عمومی جهان علیه جمهوری دمکراتیک نوپا می‌باشد. دفتر مزبور تکمیل کننده "مرکز اسناد افغانستان" و "خبرگزاری افغانی" است که هر دو از قبل کار خود را در پاکستان آغاز کرده بودند. هر دو این موسسات با پول سیا ایجاد شده و به پخش اکاذیب و شایعات عجیب و غریب مشغولند.

بیش از ۵۰ فرستنده غربی روی کانالهای مختلف و بطور شبانه‌روزی به تبلیغات علیه افغانستان مشغولند. در طی ۵ سال اخیر، ساعات پخش بقیه در صفحه ۹

کرج

* "تبلیغات سازمان در کرج به حد کامل چشمگیری رسیده است. شجونی نماینده سابق کرج در یک سخنرانی در روز ۱۲/۱۲/۶۲ به گسترش شعار صلح سازمان پرداخت و شدید به آن حمله کرد. او سازمان را عامل ایجاد آشوب و بیلاد در جامعه نامید."

فارس

* "در بهمن‌ماه و اسفندماه ۶۲ علاوه بر پخش اعلامیه‌های سازمان، اعلامیه‌ها و تراکتهای محلی زیر به صورت وسیعی در شیراز و دیگر شهرهای استان فارس پخش گردید:

- تراکت با عنوان زنده باد آرمانهای انقلاب بهمن - تراکت با مضمون خیانت خمینی به اهداف انقلاب - تراکت "زندانی سیاسی، آزاد باید گردد" - اعلامیه ای در رابطه با زلزله در مناطق فیروزآباد و جهرم - اعلامیه ای با عنوان "حکام جمهوری اسلامی عاملین اصلی اشاعه اعتیاد و فساد در میان جوانان می‌باشند" با امضای سازمان جوانان فدایی (فارس)

- تراکت در رابطه با بمباران شهرها - تراکت کارگری - تراکت دهقانی - اعلامیه با عنوان پیام به مردم مبارز فارس به مناسبت فرارسیدن سال نو. *

کارگران را در موقع ورود به تراکتورسازی در شش منطقه بازدید بدنی می‌کردند. علی‌رغم کنترل شدید در همان روزها اعلامیه و تراکت سازمان را پخش کردند در اینجا ابتکارات جالبی به کار گرفته شد. یک بار بر سر راه کارگران به غذاخوری دوریک بسته تراکت را نخ نامرئی کشیده و بر سر پشت بام انداختند. سردیگر نخ به آنطرف مسیر کشیده می‌شد. موقعی که کارگران دسته جمعی برای خوردن نهار می‌رفتند بر اثر کشش نخ تراکتها در هوا پخش می‌گردید. عناصر انجمن اسلامی خیلی تلاش کردند که کارگران به تراکتها دست نزنند. ولی خیلی از کارگران تراکتها را در جیب گذاشته و دور می‌شدند."

جلفا

* "در جلفا و علمدار با این که اکیب‌های حکومتی هر روز شعارهای ضد رژیم و ضد جنگ را که توسط رفقا نوشته می‌شود، پاک می‌کنند با این وجود باز هم هر روز شعارهای تازه‌تری بر در و دیوار نقش می‌بندد."

علمدار

* "در علمدار کرگر، شدت شعارنویسی مابعد شده است که کمیته به قهوه‌خانه‌ها دستور دهد ساعت نه شب تعطیل کنند. به این ترتیب می‌کوشند رفت و آمدهای شبانه را کنترل کنند."

دستور داده شده بر تعداد کشته‌ها افزوده و بر روی محلات کنترل بیشتری داشته باشند. یک بسیجی علت این موضوع را تشدید فعالیت هواداران سازمان می‌دانست."

آذربایجان

گزارش یک رفیق هوادار از تبریز:

* "برای اول ماه مه رفقایمان در تبریز حرکت وسیعی کردند. تراکت سازمان به مناسبت اول ماه مه و تراکتهایی در رابطه با جنگ، پخش گردید و شب‌ها بنور وسیعی شعارنویسی شد. رژیم مجبور گردید در شب اول ماه مه چراغهای شهر را روشن کند. مردم اظهار داشتند که بخاطر پخش اعلامیه، چراغها روشن شد. ولی رفقایمان با ابتکارات جدید روزها نیز پخش کردند که دو نمونه را خود مشاهده کردم: از جای هواکش اتوبوس خط واحد بر روی سقف ماشین یک دسته اعلامیه گذاشته شد که با حرکت اتوبوس در خیابان پخش گردید و با استقبال مردم روبرو شد و یک مورد دیگر در کمربندی تبریز سه راهی مانند اناپیک اتومبیل که به سرعت از منطقه دور شد تراکتها به هوا انداخته شد. عین این عمل در میدان ساعت تبریز انجام گرفته است."

گزارش دیگری از تبریز:

* "از سه روز مانده به روز جهانی کارگر، تمام



با انفجار دیگ بخار، کارگری کشته شد

در کارخانه لاستیک سازی ایران یاسا ساعت ۹/۵ صبح روز یکشنبه ۲۵ فروردین دیگ آب گرم منفجر شد که در اثر آن گروهی از کارگران مجروح شدند. یکی از مجروحین بنام شعبان رثوفی بخاطر شدت جراحات وارده در گذشت. علت انفجار فرسودگی بیش از حد دیگ و فقدان سوپاپ اطمینان بود.

در پی این واقعه، واحدی از کارگران هوادار سازمان در آن منطقه در روز ۲۸ فروردین اعلامیه ای منتشر کردند که در بسیاری از کارخانه ها از جمله در ایران یاسا پخش گردید. در این اعلامیه پس از آوردن خبر حادثه گفته شد که مجروحین را در "هیچ بیمارستانی بعلت اشغال تخته‌ها توسط مجروحین بشمار جنگ بی سرانجام و خانمانسوز، بستری نمودند. کارگران مجروح اجبارا در خانه و بدون امکانات پزشکی بستری شدند.... علت وقوع حادثه نداشتن سوپاپ اطمینان و پیوسیدگی جداره آن بر اثر ۱۵ سال کار مداوم بود. مسئولین کارخانه از پیوسیدگی و ضرورت تعویض دیگها با اطلاع بودند. اما از تعمیر یا تعویض آن خودداری نمودند

همکاران عزیز!

متحد شویم، متشکل شویم و از حقوق صنفی و اجتماعی خود دفاع کنیم."

پیروزی کارگران فیات تهران

در کارخانه فیات تهران کارگران شیفت بعد از ظهر برای دریافت حق بهره‌وری، از روز ۲۶ بهمن به کم کاری سازمان یافته دست زدند. پیش از آن مدیریت حاضر به گفتگو درباره حق بهره‌وری نبود. با اینکه کم کاری در روز ادامه یافت اما مدیریت هم چنان از گفتگو سرباز می‌زد. در روز سوم (۲۹ بهمن) کارگران دست به اعتصاب زدند و پس از اینکه اعتصاب دو ساعت ادامه یافت، مدیریت تولید به میان اعتصاب کنندگان آمد. او ضمن تاکید بر اینکه پرداخت حق بهره‌وری بکلی منتفی شده است خواست با تهدید و فریب کارگران را از ادامه مبارزه باز دارد. اما روز بعد کارگران شیفت صبح نیز به حمایت از کارگران شیفت بعد از ظهر برخاستند. به این ترتیب کم کاری ادامه یافت. در روز ۷ اسفند کارگران تقاضای خود را در طوماری به امضای ۹۰۰ نفر طرح کرده و به مدیر عامل می‌دهند. در پی این اقدام و از آنجا که کارگران برای درپیش گرفتن اشکال دیگر مبارزه آماده شده بودند، مدیریت وادار به عقب نشینی شد. به هر کارگر به طور علی الحساب مبلغ ۵۰ هزار ریال پرداخت شد و مدیر عامل متعهد گردید بقیه آنرا در آغاز سال جدید بپردازد.

جلوه ای از همبستگی کارگران

کارخانه ایرچاک که تولیدکننده لاستیک، شیلنگ، کفیوش میباید در کیلومتر ۱۰ جاده مخصوص کرج واقع است. در این کارخانه ۱۵۰ کارگر و ۲۰ کارمند کار می‌کنند.

در روز سیزدهم اسفند ماه کارگری برای دریافت وام جهت مداوای همسر بیمار خود، به مدیر کارخانه مراجعه کرد. مدیر با تقاضای وام ۵۰۰ تومانی این کارگر مخالفت کرد و در برابر اصرار او شروع به هتاکی کرد. او از نگهبانان خواست تا کارگر مزبور را از اطاقش اخراج نمایند. مدیریت سپس در همانروز این کارگر را از کارخانه نیز اخراج نمود. دیگر کارگران این واحد پس از اطلاع از موقوع، در برابر دفتر مدیر دست به تحصن زدند. آنها خواستار بازگشت کارگر اخراجی و پذیرش تقاضای او شدند. مدیریت، کارگران را تهدید کرد که پاسداران را به کارخانه می‌کشاند. این تهدید کارگران را خشمگین کرد و آنها دسته جمعی اطاق کار او را تصرف می‌کنند. در این هنگام پاسداران کمیته به کارخانه می‌ریزند. آنان ابتدا کوشیدند با تهدید کارگران را متفرق نمایند. اما کارگران قاطعانه تحصن را ادامه دادند و پاسداران و مدیریت را مجبور به پذیرش مذاکره کردند. آنها با سه نماینده برگزیده کارگران به گفتگو نشستند و در نهایت پذیرفتند که کارگر اخراجی به کار بازگردد و وام تقاضا شده نیز به او پرداخت شود. با این پیروزی، در ساعت ۸ شب تحصن پایان یافت.

شکنجه، زندان و تبعید کارگران

اعتصابی

اهواز - در پی اعتصاب کارکنان سازمان آب اهواز که چندی پیش صورت گرفته بود، گروهی از کارکنان دستگیر گردیدند. سه تن از دستگیر شدگان را چنان شکنجه کرده بودند که حتی پس از آزادی نیز تا مدتها در خانه خود بستری بودند. به این افراد ابلاغ کرده اند که باید اهواز را ترک گفته و در بندر ماهشهر اقامت نمایند.

اعتصاب در سازمان آب اهواز، چند ماه قبل برای جلوگیری از اخراج گروهی از کارکنان قراردادی و کسب دیگر مطالبات صنفی رخ داده بود.

"تعاونی حرام است"

چاپخانه نشر جمهوری اسلامی در دهکده سوهانک (در شمال شرق تهران) ۱۰۰ نفر پرسنل دارد. از این عده ۷۰ نفر در محل چاپخانه و بقیه در انبار و فروشگاه چاپخانه در میدان فردوسی تهران کار می‌کنند. اکثریت کارگران، روستائیان سوهانک هستند و ماهانه فقط ۱۹۵۰ تومان حقوق می‌گیرند. روزانه ۹ ساعت و هفته ای ۴۸ ساعت کار می‌کنند. سرپرستی چاپخانه را فردی به نام آیت الله برقی بر عهده دارد که به کمک دستیارانش به گونه بی‌مانندی از کارگران کار می‌کشد. کارگران که از هر حقوقی بی بهره مانده اند، در سال ۶۲ از محل هیاری ۲۵ هزار تومان گرد آورده تا تعاونی مصرف را دایر نمایند. آنها در حالیکه همه مقدمات کار را خود

فراهم آوردند به مسئولین چاپخانه مراجعه نمودند تا بقیه سرمایه مورد نیاز را وام بگیرند. دستیاران آیت الله برقی پس از یکسال به کارگران پاسخ دادند که "تعاونی حرام است" و قتی که کارگر آن به آیت الله مراجعه کردند، او به تهدید آنان پرداخت. کارگران وقتی که از این مراجعات نتیجه ای نگرفتند، جلسه ای برگزار کرده و برای نحوه پیگیری کار به مشاوره پرداختند. به خواست آیت الله برقی پاسداران به محل چاپخانه ریختند و ۱۲ تن از کارگران را به اتهام "فعالیت صنفی" تحت پیگرد قرار دادند. این دوازده نفر را کمی بعد از چاپخانه اخراج نمودند.

حرکت خطرناک!

در کارخانه فارما شیمی، مدیریت با تصمیم کارگران مبنی بر توزیع شیرینی در اول ماه مه مخالفت کرد. وقتی که در این روز، کارگران بی توجه به مخالفت مدیر، اقدام به توزیع شیرینی کردند، عوامل کارفرما کوشیدند از این کار جلوگیری نمایند. آنها به تهدید کارگران پرداختند که "این حرکت، سیاسی است، خطرناک است". البته تهدیدات ره بجایی نبرد و کارگران فارما شیمی به این شیوه، روزجانی کارگران را گرامی داشتند.

جرم نابخشودنی

در کارخانه پارس مثال بر اساس گزارش جاسوسان انجمن اسلامی، مدیریت چهار تن از کارگران را کتبا توبیخ کرد با این اخطار که در صورت تکرار جرم، بلافاصله اخراج خواهند شد. "جرم" این کارگران شوخی و خنده با صدای بلند در اطاق رخت کتی بود.

تعطیل نماز جماعت اجباری

بالاخره نماز جماعت اجباری در واحد تولیدی پاک دیویس که توسط یکی از وعظ حکومتی پیشنامزی می‌شد، تعطیل شد. علت آن عدم شرکت کارگران در نماز اجباری بود. از ۵۰۰ کارگر این واحد تنها عده معدودی در نماز جماعت شرکت می‌کردند.

منازل مردم

توسط زمین خواران تصرف می‌شود

تبریز - چندی پیش یکی از زمین خواران با داشتن احکام دولتی به ساکنین منطقه منیم آب تبریز مراجعه کرد و مدعی مالکیت زمین های این منطقه شد. در این منطقه قریب به شصت خانوار زندگی می‌کنند که چند سال قبل اراضی آنجا را از مالک آن خریداری کرده بودند. آنها در برابر دعاوی بی پایه مدعی تازه به دادگستری تبریز شکایت برده اند. اما دادگستری از این زمین خوار پشتیبانی می‌کند.

صلح، استقلال، آزادی
عدالت اجتماعی

گزارشی درباره جنگ اعلان نشده ۵۰۰۰۰ بقیه از صفحه ۷

برنامه آنهار برای افغانستان ۷۰ برابر شده و اکنون به ۶۰ ساعت در روز می رسد.

از هنگامی که در کابل فعالیت چندین جاسوس حرفه ای (از قبیل وایس، میچل، کراشو، ترنر، واندایز و غیره، که همگی ظاهراً کارمندان سفارت آمریکا بودند) افشا شده است، سیا در ابعاد بزرگتری، از خدمات "شاگردان" خود، یعنی شهروندان برخی کشورهای همسایه افغانستان بهره می گیرد.

چندی پیش من بایکی از آنها بنام تورکوت اوز آلا اهل ترکیه آشنا شدم. که پس از دوماه آموزش در گرفتن فیلم و عکس، وی همراه بایک باند ۱۷۰ نفره به شمال افغانستان فرستاده شد.

در خاک افغانستان، باند مزبور دچار در در شد و به دام افتاد. اوز آلا که دریافت بود شغل جدیدش چندان هم جالب نیست، و سایلش را چال کرد و خود را به مقامات تسلیم نمود.

چین به اشرا رکمک می کند

اوایل بهمن ماه سال گذشته، کمیته مرکزی حزب دمکراتیک افغانستان نامه ای به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین "در رابطه با افزایش مداخله در امور افغانستان و تقویت پشتیبانی از نیروهای ضد انقلابی فعال علیه انقلاب افغانستان از سوی چین" فرستاد. در این نامه آمده است: "چین یک کارزار علنی و خصمانه علیه افغانستان را با بکارگیری اکاذیب و جعلیات به پیش می برد و از این طریق به دشمنی با نظام اجتماعی نوین و خلق مدامن می زند. سختکویان رسمی چینی اغلب علناً اظهار می دارند که چین در صدد است در آینده نیز به باندهای ضد انقلابی افغانستان کمک گسترده نظامی و غیر نظامی بدهد. چنین موضعی، اعتراض به حق را بر

می انگیزد

در ماههای اخیر در جریان نابودی باندهای ضد انقلابی مقادیر زیادی سلاح چینی به غنیمت گرفته شده، که از آن جمله است موشکهای زمین به هوا و زمین به زمین، سکوها، پرتاب، مسلسلهای فوق سنگین ضد هوایی خمپاره و مسلسل.

به وسیله موشکهای چینی، محلات مسکونی کابل هدف قرار گرفت که طی آن اهالی غیر نظامی کشته، خانه ها ویران شده و به تاسیسات اقتصادی و فرهنگی آسیب وارد آمد. در یک بیانیه خبرگزاری افغانی باختی چنین می خوانیم: "این عملیات وحشیانه نقاب از چهره برتری جویان پکن که در حرف طرفدار عدم مداخله اند، اما در واقعیت به مستقیم ترین شکل در امور داخلی کشورهای همسایه دخالت می کنند، برداشت".

ارگانهای امنیتی جمهوری دمکراتیک افغانستان نامه هایی کشف کرده اند که روسای باندهای مستقر در خاک افغانستان به رهبران خود در پاکستان نوشته اند. برخی از این نامه ها طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل در اختیار روزنامه نگاران قرار گرفت متن یکی از این نامه ها بدین قرار است:

"۲۳ نوامبر ۱۹۸۴. حضور محترم پرورسور عبدالرسول سیف، رئیس اتحاد اسلامی مجاهدین، خوشوقتم که ضمن تشکر به اطلاع برسانم کمک چین را به موقع دریافت کردیم. موارد رسیده عبارتست از: سه توپ دوقلو، ۵۰ مسلسل سبک، ۱۲۰ مین پلاستیکی ضد تانک، ۲۲۷ مین ضد نفر، ۵ تپانچه، سه جعبه موشک و ۲۸ جعبه گلوله مسلسل. خواهشمندیم برای مایک سیستم رادار چینی بفرستید، چون دائماً مورد حمله هواپیماهای دولتی قرار داریم. امضا: فرمانده هنگ اول..."

یک نامه دیگر:

"۱۷ دسامبر ۸۴. به رئیس اتحاد اسلامی

مجاهدین، عبدالرسول سیف

طبق دستور شما از مستشاران چینی به گرمی استقبال کردیم. آنها از انبارهای اسلحه ما دیدن کرده و نظم مثال زدنی آنها را تحسین نمودند. ما برای آنها از مشکلاتمان گفتیم و از ایشان خواهش کردیم برای ایمان سلاحهای بیشتری با قدرت تخریب بیشتر بفرستند. تقاضاهای ما را به دقت یادداشت کردند میهمانان از مرز گذشتند، سه الی چهار کیلومتر وارد خاک افغانستان شدند و از استحکامات جنگی ما دیدن کردند."

نامه دیگری که در جیب یک ضد انقلابی مقتول یافته شده، نوشته یک فرد افغانی مقیم ایالت سین کیانگ چین، خطاب به یک افغانی مقیم پیشاور است.

همه می دانند که چین فعلاً در آموزش دادن به اشرا شرکت می جوید. مستشاران چینی به همراه متیان آمریکایی خود و مستشاران سایر کشورها مدتهاست در اردوگاههای ضد انقلابیون در پاکستان فعالیت می کنند. اما یک سال است که اشرا افغانی در خود چین هم آموزش می بینند.

مقامات افغانی می دانند که در حال حاضر در چین ۵۰۰ اردو از میان باندهای ضد انقلابی برگزیده شده اند.

اواسط اردیبهشت، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل به روزنامه نگاران باردیگر سلاحهای گوناگون ساخت چین نشان داده شد که در اختیار ضد انقلابیون قرار گرفته بود.

همانگونه که در یادداشت اعتراضی حزب دمکراتیک خلق افغانستان آمده است، بدیهی است در پیش گرفتن چنین سیاستی از سوی جمهوری توده ای چین، اعتراض به حق مردم و دولت افغانستان را برمی انگیزد.

کوتاه شده گزارشی از نشریه "عصر جدید" شماره ۲۲

فدائیان خلق در جشنهای کارگران ۵۰۰۰۰ بقیه از صفحه ۲

آمریکا، فعالین فدایی، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و فعالین السالوادوری بعهده داشتند.

مراسم جشن با اجرای سرود انترناسیونال به زبانهای انگلیسی، فارسی، اسپانیولی و عربی توسط گروه کر، در فضایی آکنده از همبستگی بین المللی آغاز گردید. گروه کر این جشن را سی و پنج نفر از ملیتهای گوناگون تشکیل می دادند. در طی برنامه های هنری جشن موسیقی ایرانی نیز اجرا گردید.

دانمارک

بدنبال اعتصابات کارگری بمنظور دستیابی به ۲۵ ساعت کار در هفته، اول ماه مه امسال به نمایش قدرتی از سوی طبقه کارگر دانمارک بر ضد دولت و نیروهای راست بدل گشت. در این روز در کپنهاک حزب کمونیست دانمارک و احزاب سوسیالیست چپ و سوسیالیست مردمی به همراه نزدیک به ۷۰ اتحادیه کارگری پیرامون شعار سقوط دولت شلوگر گرد آمدند. در کپنهاک، به گفته رادیو دانمارک نزدیک به ۲۰ هزار نفر بیش از سال پیش در این مراسم شرکت کرده بودند.

فدائیان خلق در دانمارک و هواداران حزب توده ایران به صورت فعال در این مراسم شرکت

نمودند و غرفه مشترکی نیز تدارک دیده شده بود. این غرفه بوسیله آرمهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، شعارهایی با مضمون دفاع از صلح و سوسیالیسم و تبریک اول ماه مه تزئین شده بود. استقبال وسیع شرکت کنندگان در جشن از غرفه ایران، در بعضی از ساعات عبور از مقابل آنرا با دشواری روبرو می ساخت. افشاکری های موثری نیز در مورد سیاستهای ضد کارگری رژیم حاکم بر ایران بعمل آمد.

در جشنهای اول ماه مه در شهرهای دیگر دانمارک، آروس، البورگ، دیله، سیلک، بورگ و هولبیگ نیز فدائیان خلق حضور فعال و موثر داشتند.

فیلیپین

در روز اول ماه مه، سه اتحادیه کارگری در فیلیپین، تظاهرات شکوهمندی برگزار نمودند که رفقای فدائی و توده ای نیز در آن شرکت کردند.

تظاهر کنندگان علیرغم استقرار نظامیان در خیابانها، رژیم مارکوس را بخاطر سرکوب وحشیانه کارگران و زحمتکشان این کشور شدیداً محکوم نمودند. آنها علاوه بر این خواهان برچیدن پایتگاههای نظامی آمریکا از خاک فیلیپین گردیدند.

در تظاهرات مزبور که نمایندگانی از سازمانهای دهقانان، زنان، جوانان و صلح فیلیپین

در آن شرکت داشتند، رفقای حزب و سازمان اقدام به بخش هزاران نسخه اعلامیه در افتای رژیم خمینی کردند که با استقبال شایان مردم مواجه گردید.

* بعد از ظهر همان روز نیز تظاهرات بزرگ دیگری بر پا شد. در این مراسم نمایندگانی از جنبشهای کارگری انگلیس، استرالیا، آمریکا و هند شرکت داشتند. فدائیان خلق و توده ایها ضمن شرکت در این تظاهرات، از طریق پخش اعلامیه وضعیت خفقان بار حاکم بر کشورمان را افشا کردند.

آلمان فدرال

حزب کمونیست آلمان، روز جهانی کارگر را با شرکت احزاب و سازمانهای مترقی خارجی در آلمان در شهرهای دورتموند، اسن، بوخوم، بیلدفلد، مونستر و... جشن گرفت. فدائیان خلق و توده ایها نیز در این جشنها شرکت موثر داشتند. رفقای ما در شهرهای مذکور، ضمن ابراز همبستگی عمیق با کارگران و کمونیستهای جهان، اقدام به برپایی میز کتاب، پخش اعلامیه و جمع آوری کمک مالی نمودند. علاوه بر این رفقای حزب و سازمان در تظاهرات دیگری که بهمین مناسبت از سوی تشکلهای کارگری در شهرهای مونستر، اسن و بوخوم صورت پذیرفت، فعالانه شرکت نمودند و به پخش اعلامیه پرداختند.

* اخير انيروه‌های دست راستی به تهاجم وسیعی در صحنه سیاسی کشور سوئد دست زده اند. علت آن چیست و چه تأثیراتی بر روی انتخابات امسال خواهد گذاشت؟

** دنیای سرمایه داری هرگاه با بحران اقتصادی مواجه می شود، ارگانهای تبلیغی آن کارزار وسیعی راه می اندازند تا برای منحرف ساختن و فریب دادن افکار عمومی، بحران و عواقب آن را به پدیده های موهومی نسبت دهند. در سوئد نیز به همین گونه رفتار می شود. به عنوان مثال آنها سعی می کنند تمام کمبودهای موجود را به حساب بی لیاقتی افراد بگذارند و تبلیغ می کنند که اوضاع با پشت کار خود افراد بهبود پیدا خواهد کرد. آنها می گویند تو اگر بیکاری، این تقصیر خود توست! اگر نمی توانی از تحصیلات استفاده کنی، اشکال در بی لیاقتی خود توست که نمی توانی از تخصص استفاده کنی! یک وجه دیگر این تبلیغات، تهاجم علیه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی است. نیروهای راست وجود دارد و گاه سوسیالیسم را عامل بحران در کشورهای سرمایه داری معرفی می کنند. متأسفانه باید بگویم که این تبلیغات توانسته است در میان نیروهای جوان جامعه، از طریق سخن پردازیهایی که در رسانه های گروهی و در مدارس می شود، موثر واقع گردد. باید گفت در اثر این تبلیغات، نیروهای دست راستی توانسته اند، افکار عمومی را بفریبند و امکانات بیشتری جهت حضور سیاسی فعالتر در صحنه سیاسی جامعه سوئد، پیدا کنند.

* عواقب پیروزی احتمالی راست گرایان در انتخابات چه خواهد بود؟

** نیروهای دست راستی تمام سعی خود را بکار گرفته اند تا در انتخابات ماه سپتامبر امسال پیروز شوند. آنها می خواهند تضییقات جدیدی را به زحمتکشان تحمیل کنند. در عرصه سیاست خارجی سوئد در حال حاضر از یک سیاست بی طرفانه پیروی می کند. این سیاست، با آنکه با لکه های سیاه و زشتی در ادوار مختلف تاریخ همراه بوده است، با این وجود توانسته است تا اندازه ای نقش مثبتی داشته باشد. به همین دلیل است که دست راستی ها می گویند طبقه کارگر را از صحنه برانند، تا کشور ما را تابع و زیر دست امپریالیسم آمریکا قرار دهند. این هدف اصلی تهاجم دست راستی هاست. در صورتی که نیروهای راست پیروز شوند، مسلماً کشور به

سنت تبعیت کامل از امپریالیسم آمریکا سوق داده خواهد شد و در آن صورت اگر سوئد هم به جرگه کشورهای ثرو و دانمارک پیبوند و از سیاست بیطرف کنونی دست بکشد، صلح در منطقه کشورهای اسکاندیناوی و در سطح جهان، با خطرات بیشتری مواجه خواهد شد.

مصاحبه با رفیق رولف هاگل، دبیر اول حزب کمونیست کارگری سوئد

یکی دیگر از اهداف تهاجم دست راستی ها که بطور عریان دیده می شود، زیر فشار گذاشتن خارجی های مقیم سوئد است. این پدیده ای است که در کشورهای سرمایه داری زیاد دیده می شود. زمانی که ابتدایی ترین خواسته انسانها که اشتغال است تأمین نمی شود، سرمایه داری کوش می کند مفری برای سلب مسئولیت از خود پیدا کند و در این حال معمولاً هیچ دیواری کوتاه تر از دیوار خارجی هانیت.

دست راستی ها سعی می کنند سوئد را علیه خارجی ها بشورانند. مثلاً می گویند خارجی ها کارهای سوئد را گرفته اند. مسلماً این موضوع واقعیت ندارد. یکی از وظایف مهم ما افشای این نوع سیاست ها و جلوگیری از دشمنی با خارجی هاست.

* هم اکنون در سوئد یک ستیز تبلیغی همه جانبه علیه اتحاد شوروی در جریان است. ممکن است بفهمانید چه نیروهای سازمانده این تبلیغات بوده و چه هدفی را دنبال می کنند؟

** این تهاجم تبلیغی را می توان با تهاجمات تبلیغی در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم و بطور کلی با ستیز فاشیست ها علیه کمونیسم مقایسه کرد. دلیل آنرا هم می توان در رابطه با همان سؤال قبل پیدا کرد. نیروهای راست زمانی که بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه داری عمیق تر می شود، سعی می کنند از طرفی، کشورهای سوسیالیستی را از لحاظ سیاسی و اقتصادی ایزوله کرده و از طرف دیگر، برای اینکه مانع گسترش اندیشه سوسیالیستی در میان طبقه کارگر کشور خود شوند، آنرا تحریف می کنند. چرا که در زمانی که بحرانهای اقتصادی تعمیق می یابند، زحمتکشان و کارگران سعی می کنند دلایل این بحرانها را پیدا کنند. علت بحران، بیکاری و راه برون رفت از آن را بیابند. اینجاست که نیروهای دست راستی علیه سوسیالیسم تبلیغ می کنند و سعی می کنند که از همان آغاز به زعم خود "نا توانی سوسیالیسم" را در

جوابگوئی باین مسائل در انتظار مردم بنمایش گذارند. یکی از دلایل حمله به شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را می توان در این رابطه دید. از طرف دیگر نیروهای ارتجاعی همیشه می خواهند بحرانهای اقتصادی را از راه مسابقه تسلیحاتی حل کنند. آنها برای اینکه بتوانند بودجه

تسلیمات را بالا ببرند باید یک دشمن تخیلی بوجود آورند و گرنه دلیلی ندارد که این همه بودجه صرف تسلیحات شود. بایستی نشان بدهند که دشمنی وجود دارد که ما را تهدید می کند. بنابر این سوسیالیسم را بعنوان دشمن و خطر بزرگ برای کشور معرفی می کنند و از این طریق بودجه های نجومی را در راه پیشرفت و گسترش انواع سلاحهای مرکب کار اختصاص می دهند. این هم یکی دیگر از دلایل شوروی ستیزی است.

* میدانیم که امسال جهانیان چهلمین سال پیروزی بر فاشیسم را جشن می گیرند. لطفاً بفهمانید ارتش سرخ چه نقشی در پیروزی فاشیسم داشته و چه تأثیری روی صلح در اروپای بعد از جنگ جهانی دوم داشته است؟

** هر انسانی که آشنائی با تاریخ داشته باشد، نمی تواند به افتخار و فداکاری شوروی در شکست و برچیده شدن قدرت فاشیسم آلمان و آزادی جهان از زیر سلطه آن اعتراف نکند. شوروی، با تحمل رنج و محنت فراوان و با بهای سنگین، با بیش از ۲۰ میلیون تلفات و خسارات مالی که قابل محاسبه نیست، این پیروزی را بدست آورد. همه شهر ها و بخش عظیمی از کشور شوروی با خاک یکسان گردید. بنابر این شوروی از جان گذاشتگی بزرگی در این جنگ کرد.

صلح کنونی در اروپا مدیون کوشش ها و اقدامات ارتش سرخ و تدابیر اصولی و صلح خواهانه اتحاد شوروی است. شوروی پیشنهاد های گوناگونی به منظور تثبیت صلح ارائه داده است. درست است که سلاحهای اتمی و دیگر سلاحها بطور مداوم توسعه یافته است، ولی اگر تاکنون از این سلاحها استفاده نشده است، نتیجه اتخاذ سیاست اصولی و صبر و شکیبائی اتحاد شوروی بوده است. اتحاد جماهیر شوروی به دفعات متعدد و بطور یک جانبه، علاوه بر پیشنهادات مشخص، اقدام به محدود کردن تولید سلاحهای هسته ای و استقرار آنها

نموده است.

* نظر شما در رابطه با جنگ ایران و عراق چیست؟

** جنگ ایران و عراق را باید در چارچوب توطئه های امپریالیسم علیه خلقها ارزیابی کرد. امپریالیسم می خواهد که این جنگ ها مرکز خاموش نگردد، زیرا این گونه جنگها منافع امپریالیسم را تضمین می نماید. این نوع جنگ در مناطقی از جهان ما بروز می کنند که علاوه بر اینکه برای مردم محروم کشورهای آن مناطق خطرناک هستند، صلح و امنیت جهانی را نیز به خطر می اندازند. جنگ عراق و ایران نیز یکی از این جنگ هاست که نه تنها برای مردم عراق و ایران خطرات جدی دارد، بلکه صلح و امنیت در منطقه خاور میانه را به خطر انداخته است. و بیشتر از این ها صلح جهانی را مورد تهدید قرار داده است.

امپریالیسم و ارتجاع به این گونه جنگ هادامن می زنند تا آنچنان جو و شرایطی فراهم شود که بتوانند هر گونه جنبش رهایی بخش را که در این مناطق بوجود می آید به شکست بکشانند. آنها به بهانه های عوام فریبانه و تحت عنوان حفظ منافع حیاتی، انواع و اقسام سلاحها و تجهیزات خود را به منطقه وارد می کنند. اما واقعیت این است که آنها می خواهند بدین وسیله مانع گسترش جنبش های رهایی بخش گردند. من چنین رابطه ای بین جنگ ایران و عراق و مسائلی که در افغانستان اتفاق می افتد می بینم. آن ها می خواهند بهر وسیله شده، افغانستان انقلابی را به زانو در بیاورند.

* باتشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار داده اید، چنانکه پیمای برای رفقای ما دارید بفهمانید؟

** من دروهای خود و حزب را به رفقای فدائی که در شرایط سخت و خفقان ایران مبارزه می کنند نثار نموده و موفقیت آنها را در پیشبرد اهدافشان، آرزو می نمایم. همچنین مایلیم به آنها بگویم که رفقای آنها در سوئد فعالیت می کنند. بعنوان مثال می توان از کمک بزرگی که رفقای حزب توده ایران و فدائیان خلق، در تهیه و تدارک و برگزاری جشن همبستگی با افغانستان کردند، نام برد. من بدینوسیله از آنها تقدیر می کنم. مبارزه مایک مبارزه مشترک است.

رویدادهای جهان



پاکستان مسئول مرگ اسرای شوروی است

چندی پیش، یک خبرنگار تکان دهنده درباره مرگ قهرمانانه چند سرباز افغانی و شوروی اسیر در یک اردوگاه ضد انقلابیون افغانی در پاکستان انتشار یافت. رپوده شدگان که توانسته بودند تکمیلان پایگاه محل اسارت خود را خلع سلاح کرده و انبار مهمات پایگاه را به تصرف درآورند، پس از یک نبرد نابرابر با اشرار و ارتش پاکستان، شهادت پر افتخار را به تسلیم شدن ترجیح داده و خود را همراه با انبار مهمات منفجر کردند.

سفارت اتحاد شوروی در این رابطه یادداشت اعتراضی به ضیال الحق رئیس جمهوری پاکستان فرستاده و رژیم اسلام آباد را مسئول مرگ سربازان شوروی در خاک پاکستان دانست.

بدنبال این حادثه، ضیال الحق در روز ۲۲ اردیبهشت طی یک کنفرانس مطبوعاتی در اسلام آباد اظهار داشت سیاست حکومتش در قبال افغانستان تغییر نکرده است.

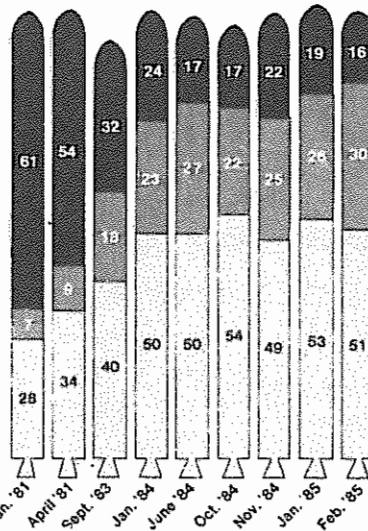
ضیال الحق مدعی شد که سیاست ضد افغانی پاکستان "در خدمت منافع کشور است". این در حالی است که نیروهای ملی پاکستان دقیقاً خلاف این نظر را دارند. بازده حزب بزرگ مخالف، عضو جنبش اعاده دموکراسی به سیاست ضد افغانی دولت شدیداً انتقاد می کنند. اپوزیسیون پاکستان خواهان مذاکرات مستقیم با افغانستان و پذیرش پیشنهادهای صلح کابل از سوی اسلام آباد است. حتی بسیاری از شخصیت‌های معروف پاکستان که از حامیان رژیم ضیا به شمار می روند، با سیاست وی در قبال افغانستان موافق نیستند.

میلیاردها دلار "کمک" آمریکا به پاکستان که صرف شرکت این کشور در جنگ اعلان نشده علیه افغانستان می گردد، باعث رشد سرسام آور مخارج نظامی، وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش تشنج در ایالت مرزی شمال غربی شده است. در این بخش از پاکستان، در حقیقت ضد انقلابیون افغانی حکومت می کنند. اتحاد پاکستان با آمریکا همچنین به تشنجات در سطح کل منطقه دامن زده است.

افزایش مقاومت در برابر تلاش ریگان برای تقویت بودجه نظامی

مجلس سنای کنگره آمریکا بحث پیرامون تخصیص اعتبارات جهت تحقق بخشیدن به طرحهای مربوط به نظامی کردن فشار آغاز کرد. دولت ریگان تلاش دارد برای این منظور بودجه ۳۰۷ میلیارد دلاری به تصویب کنگره برساند. در مجموع، مالیات دهندگان آمریکایی باید ۲۶ میلیارد دلار برای این طرحها پرداخت کنند. عده ای از اعضای مجلس سنا در واشنگتن با این طرحها مخالفند. چندی پیش ۷۰۰ تن از اعضای آکادمی ملی علوم آمریکا، از جمله ۵۲ دارنده جایزه نوبل خواهان آن شدند که از اجرای

طرح "جنگ ستارگان" جلوگیری به عمل آید. این عده، خطر اجرای این گونه طرحهای دولت آمریکا را برای جهان مورد تاکید قرار دادند.



نمودار ضمیمه، بازتابی از گسترش مخالفت مردم آمریکا با مشی نظامی گرانه ریگان و افزایش بودجه تسلیحاتی است. در این نمودار، رنگ سیاه درصد موافقین افزایش بودجه تسلیحاتی، رنگ خاکستری تیره موافقین کاهش آن، و رنگ خاکستری روشن موافقین حفظ سطح آن را نشان می دهد. فی المثل در ژانویه ۱۹۸۱، ۲۸ درصد خواهان حفظ سطح بودجه نظامی، ۷ درصد موافق کاهش و ۶۱ درصد موافق افزایش آن بوده اند. (نمودار از نیویورک تایمز)

احزاب کمونیست کشورهای عربی: به برادر کشی در لبنان پایان دهید!

در هفته های اخیر بیروت پایتخت لبنان شاهد درگیریهای خونین میان شبه نظامیان شیعی "امل" و تیپ ششم ارتش لبنان از یک سو، و چریکهای فلسطینی از سوی دیگر بوده است. درگیری هتگاهی آغاز شد که "امل" در صدد خلع سلاح نیروهای مسلح فلسطینی مستقر در اردوگاههای صبرا، شتیلا و برج البراجنه برآمد. گروههای لبنانی علیرغم همه اختلافات فیما بین خود که بصورت درگیریهای مسلحانه نیز بروز می کنند، اکثر اخواهان ایجاد یک دولت مستقل با ساختار جدید هستند. برخی از این گروهها معتقدند تجدید سازمان نیروهای فلسطینی در لبنان به منزله تشکیل "دولتی در دولت" است و به همین دلیل با این امر مخالفند.

از سوی دیگر شوراها اردوگاههای فلسطینی بر این موضع پافشاری می کنند که امر حفظ نظم در این اردوها، باید همچنان بر عهده فلسطینی ها باشد و نه ارتش لبنان یا گروههای لبنانی.

هشت حزب کمونیست و کارگری عرب طی بیانیه ای خواهان پایان دادن فوری به جنگ برادر کشی میان شبه نظامیان امل و فلسطینی ها شده اند. این احزاب در موضع گیری خود با اشاره به تلاش امپریالیسم و صهیونیسم برای جلوگیری از حل مسئله فلسطین، نابودی انقلاب فلسطین و محور اتحاد

رزمجویانه سوریه، ساف و نیروهای ملی لبنان، خاطر نشان ساخته اند: ادامه خونریزی در لبنان، توجه افکار عمومی را از جنایات اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان و مبارزه نیروهای ملی لبنان و ساف با حمایت سوریه علیه تجاوزگران صهیونیست، منحرف می سازد.

نخستین اجلاس علنی کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل

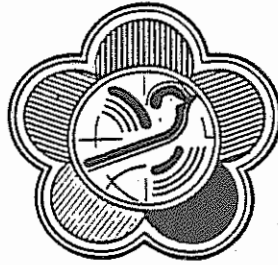
کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل هفته گذشته برای نخستین بار پس از ۲۸ سال بطور علنی تشکیل جلسه داد. شرکت کنندگان در این نشست، درباره مسائل مربوط به قانونی شدن حزب و تقویت صفوف آن به بحث پرداختند. محور بحث، سندی با عنوان "اوضاع سیاسی و موقعیت حزب در فعالیت علنی" بود.

جیا کوندو دیاز، دبیر کل کمیته مرکزی سه مورد از برنامه اعلام شده دولت را به عنوان دستاوردهای بزرگ نام برد. این سه مورد عبارتند از اصلاحات ارضی، قائل شدن حق رای برای بیسودان و نیز اصلاح قانون انتخابات، که بر مبنای آن حزب کمونیست برزیل قانونی خواهد شد. در حال حاضر این حزب بدنبال انتشار برنامه، برنامه و اساسنامه آن در روزنامه رسمی دولتی عملاً فعالیت قانونی خود را آغاز کرده است.

شکست دست راستی هادر انتخابات یونان

روز یکشنبه دوازدهم خرداد انتخابات پارلمان یونان برگزار شد. حزب حاکم آندریاس پایاندرو نخست وزیر بنام "جنبش سوسیالیستی پان هلن (پاسوک)" در این انتخابات اکثریت مطلق کرسی ها را به دست آورد. این حزب که ۴۵/۹ درصد از شرکت کنندگان به آن رای دادند، در مجلس آینده یونان ۱۶۱ نماینده از ۳۰۰ نماینده را خواهد داشت. حزب دست راستی "دموکراسی نو" با ۴۰/۹ درصد آرا ۱۲۵ کرسی به دست آورد. حزب کمونیست یونان با آنکه ۹/۸ درصد آرا را به خود اختصاص داد، تنها به ۱۲ کرسی دست یافت. این توزیع ناموزون کرسی ها که به هیچ وجه با توزیع آرا متناسب نیست، بر اثر وجود قانون ضد دموکراتیک انتخابات که "پاسوک" دست راستی ها به اتفاق هم به تصویب رسانده بودند، حاصل گردید.

دست راستی های یونان هدف خود را در صورت پیروزی در انتخابات "تحکیم پیوندهای یونان با غرب و احیای مناسبات نزدیک آن با آمریکا" اعلام کرده بودند. سوسیالیستها و کمونیستها، بیشتر روی مسائلی نظیر برچیدن پایگاههای ناتو، فاصله گرفتن از آمریکا، حمایت از اقشار پایینی و استقلال ملی یونان تاکید داشتند. حزب "پاسوک" با آنکه طی چهار سال حکومت خود به این شعارها که در انتخابات قبلی مطرح ساخته بود جامه عمل نپوشاند، توانست موفقیت چهار سال پیش خود را تکرار کند. حزب کمونیست یونان در تحلیلی که پس از انتخابات منتشر ساخت، علت این پیروزی را پیش بردن این تبلیغات از سوی "پاسوک" دانست که گویا مردم ناگزیر از انتخاب میان راست ها و سوسیالیستها هستند.

مسکو ۱۹۸۵
دوازدهمین جشنوارهپراگ ۱۹۴۷
اولین جشنواره

روز ششم مرداد دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو برگزار می‌شود. برای آشنائی با چگونگی پیشرفت کارهای تدارکاتی این جشنواره، خبرنگار اکثریت با رفیق هانس کلوته نماینده فدراسیون جهانی جوانان دمکرات در کمیسیون دائمی کمیته بین‌المللی تدارک این جشنواره جهانی به گفتگو نشست. در زیر متن این گفتگوری خوانید.

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو، عرصه همبستگی جوانان جهان در راه صلح و ترقی

س: اکنون که چهارمین نشست کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره در مسکو برگزار شده، دیگر چه وظایفی در برابرها قرار دارد؟

ج: در حال حاضر ما مشغول رسیدگی به جزئیات برنامه جشنواره هستیم. مراسم گوناگون باید زمانبندی شوند، سخنرانان اصلی جلسات مناظره و پرسش و پاسخ تعیین و بسیاری از مسایل فنی برگزاری مراسم حل گردند. در چهارمین نشست کمیته بین‌المللی، مسئولین کمیته‌های ملی تدارک از ۱۲۶ کشور جهان به نمایندگی از ۲۳۰۰ سازمان شرکت جستند. برنامه جشنواره باید به نحوی ترتیب داده شود تا شرکت‌کنندگان که دارای نظریات سیاسی وایدئولوژیک گوناگونی هستند، قادر باشند نظریات خود را به‌عموم عرضه کنند. بزرگترین مشکل در حال حاضر این است که جمعا بیش از ۲۴۰۰ تن از سراسر جهان برای شرکت در جشنواره ابراز آمادگی کرده‌اند، درحالی‌که ما فعلا امکان پذیرایی از ۱۷۰۰ میهمان خارجی را در اختیار داریم. این مشکل باید با بحث و تبادل نظر، حتی الامکان با گذشت و انعطاف از جانب کمیته‌های تدارک از سراسر جهان حل‌شود.

من در اینجا به شما اطمینان می‌دهم که ما هر آنچه در توانمان باشد انجام خواهیم داد، تا جشنواره به ایجاد دوستی‌های جدید و تقویت جوتفاهم و همکاری میان شرکت‌کنندگان بیانجامد.

جشنواره امکان شرکت برای هفتصد تا هزارتن از میهمانان جشنواره موجود خواهد بود. در برخی از مراکز، برحسب موضوع مشخص آنها، دیدار نزدیک با صاحب‌نظران و متخصصین امر ممکن خواهد بود، مثلا در مرکز بزرگ ضد فاشیستی، مبارزین و پیش‌کوتان جنبش مقاومت ضد فاشیستی از سراسر جهان ویا فعالین جنبش صلح و خلع سلاح بین‌المللی، جنبش‌های زنان، در مرکز، که به صلح و خلع سلاح اختصاص دارد، تعدادی از کیهان نوردان و دانشندان برجسته وینام از کشورهای گوناگون در باره نظامیگری در فضای کیهانی، سخن خواهند گفت. بخش عمده‌ای از مراسم و برنامه‌ها به همبستگی با مبارزات مردم آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، کشورهای حوزه کارائیب و اروپا، خاورمیانه و نزدیک، جنوب آفریقا، کوبا، قبرس، گواتمالا، ال‌سالوادور، جمهوری خلق کره، لبنان، نامیبیا، نیکاراگوئه، فلسطین، پورتوریکو، سوریه، ویتنام و صحرای اختصاص دارد. در یک روز اتحاد شوروی کشور میزبان جشنواره، به شرکت‌کنندگان معرفی خواهد شد.

هم‌چنین چهلین سالگرد سرکوب فاشیسم هیتلری، دهمین سالگرد امضای پروتکل‌های هلسینکی برای امنیت و همکاری در اروپا، چهلین سالگرد تشکیل سازمان ملل متحد و چهلین سالگرد پرتاب بمب اتمی بر هیروشیما

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان، اتحادیه سراسری دانشجویان آفریقا، جنبش پان‌آفریکن جوانان، جوانان میانه‌روی نوردیک از کشورهای اسکانندیناوی و سازمان دانشجویی آمریکای لاتین.

س: مهمترین عرصه‌های فعالیت شما از ژانویه تاکنون کدام بوده‌اند؟

ج: طبعا مهمترین بخش فعالیت اخیر ما برای تدوین برنامه دوازدهمین جشنواره جوانان و دانشجویان صورت گرفته است. در برنامه‌ای که اکنون به تصویب چهارمین نشست کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره رسیده، بیش از سیصد گردهم‌آیی و آکسیون پیش‌بینی شده است. در پانزده مرکز جلسات بحث و مناظره، نمایشگاه‌ها و برنامه‌های فرهنگی برگزار خواهند شد. این پانزده مرکز در یک مجتمع ساختمانی عظیم جای خواهند داشت. در جلسات سبسی امکان بحث و تبادل نظر برای دویست تا سیصد تن از شرکت‌کنندگان موجود خواهد بود. پیش‌بینی شده که برخی از این جلسات چندین روز متوالی به‌طول انجامند. کسمومل اتحاد شوروی که در واقع میزبان جشنواره است، ۱۵۰۰ مترجم رامامور شرکت و همکاری در این جلسات نموده است. احتمالا در مراسم افتتاحیه و برخی برنامه‌های اصلی

س: رفیق گرامی! شما یکی از اعضای کمیسیون دائمی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان هستید. لطفا در مورد روش کار و ترکیب اعضای کمیسیون توضیح دهید.

ج: کمیسیون دائمی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان اواسط ژانویه سال جاری فعالیت خود را در مسکو آغاز کرد. به‌طور سنتی وظیفه کمیسیون تهیه و پیش‌نویسی قرارها و اسناد نشست‌های کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره و سپس اجرای مصوبات این نشست‌ها می‌باشد. پس از دومین نشست کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره یک گروه کار موقت تشکیل شده بود که تا اواخر نوامبر ۱۹۸۴ وظیفه رسیدگی به امور جاری تدارک جشنواره را بر عهده داشت. در سومین نشست "کمیته"، اعضای "کمیسیون دائمی" انتخاب شدند. ۲۴ کمیته ملی از کشورهای گوناگون آسیایی، آفریقایی، آمریکایی و اروپایی، همچنین نه سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی جوانان و دانشجویان دارای یک یا چند نماینده در کمیسیون دائمی هستند.

سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از فدراسیون جهانی جوانان دمکرات (که سازمان جوانان توده ایران نیز در آن عضویت دارد)، بین‌الملل جوانان سوسیالیست، بین‌الملل جوانان لیبرال و رادیکال، مجمع شوراهای جوانان اروپای غربی،

کتاب‌های مالی رسیده

رفیق مریم
رفیق پ از هلند
مواد اران سازمان در نیوکاسل (انگلستان) ۱۵۰ پوند
بهمن کوچولو از آلمان فدرال ۴۰ مارک

مرگ بر امپریالیسم جهانی
به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

با جمع‌آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!

AKSARIYAT
No. 60
MONDAY JUNE 10, 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY